

بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۴۳): از منظر حقوق عمومی



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۷۴۰

کد موضوعی: ۲۴۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۴۳): از منظر حقوق عمومی

نام دفتر: مطالعات حقوقی

تهیه و تدوین کنندگان: یحیی مزروعی ایبانه، علی عبدالاحد، محمد برزگر خسروی، امین‌الله پاکنژاد،

محمد صالحی، حسین محمدی احمدآبادی، علی صابری‌دامنه، روح‌الله مکارم، مهدی بهرامی

حسن‌آبادی، امین پژمان

ناظر علمی: مهدی عبدالملکی

ویراستار ادبی: پرند فیاضی

واژه‌های کلیدی:

۱. بودجه سالیانه کل کشور

۲. سیاست‌های کلی نظام

۳. حقوق عمومی

۴. نظام حقوقی

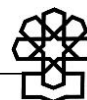
۵. نظام بودجه‌ریزی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	تبصره «۱»
۵	تبصره «۲»
۷	تبصره «۳»
۸	تبصره «۴»
۸	تبصره «۵»
۱۰	تبصره «۶»
۱۶	تبصره «۷»
۱۷	تبصره «۸»
۱۸	تبصره «۹»
۱۹	تبصره «۱۰»
۲۱	تبصره «۱۱»
۲۳	تبصره «۱۲»
۲۶	تبصره «۱۳»
۲۶	تبصره «۱۴»
۲۷	تبصره «۱۵»
۲۸	تبصره «۱۶»
۲۸	تبصره «۱۷»
۳۳	تبصره «۱۸»
۳۴	تبصره «۱۹»
۳۵	تبصره «۲۰»
۳۷	نتیجه گیری



بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۴۳): از منظر حقوق عمومی

مقدمه

پس از تغییر در نقش، کارکرد و راهبرد انجام وظایف دولت‌ها، امروزه، بودجه به‌عنوان سندی راهبردی در سیاستگذاری سالیانه جهت اداره کشورها قلمداد می‌شود. به همین دلیل در حال حاضر، بودجه مورد توجه ویژه قوای مقننه و مجریه قرار می‌گیرد. دولت‌ها در بودجه که ماهیت قانونی دارد، منابع سالیانه را پیش‌بینی می‌کنند و با توجه به آن و مبتنی بر وظایف قانونی و اولویت‌ها و خط‌مشی‌های دولت، مصارف عمومی را برآورد می‌کنند. پس از آن مجلس وارد رسیدگی و تصویب لایحه بودجه سالیانه (ارسالی از سوی دولت) می‌شود و اجازه پرداخت و هزینه‌کرد در حدود اعتبارات مصوب را می‌دهد. بر این اساس در قانون بودجه هزینه‌ها و کیفیت وظایف دولت (شامل تأمین و ارتقای عدالت، امنیت، سلامت، آموزش، تنظیم سیاست‌های پولی و مالی، صیانت و ارتقای فرهنگ و ...) مشخص می‌شود. مجموعه‌ای از گزاره‌های موجود در قانون بودجه تأثیر عمیقی بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... جامعه دارند. از همین رو رسیدگی و تصویب چنین سندی اهمیت بسزایی در نحوه اداره کشور خواهد داشت و بدون تردید این امر مستلزم بررسی دقیق و موثکافانه آن است.

موضوع اصلی گزارش لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور، تبیین و بررسی نکات و ایرادهای حقوقی این لایحه است. شناخت و بیان آسیب‌ها و ایرادهای لایحه بودجه، کمک شایانی به ارتقای قانون بودجه و جلوگیری از تفاسیر و رویه‌های نادرست خواهد نمود. بنابراین هدف نهایی مجموعه گزارش‌های بررسی لایحه بودجه از منظر حقوق عمومی، اتقان و اتکای قانون بودجه بر اصول حقوقی، قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه است. این امر سبب می‌شود در مقام اجرای قانون بودجه سالانه، زمینه فساد و سوءاستفاده از قانون، تشتت رویه‌ها و پرونده‌های قضایی به حداقل برسد و قانون بودجه در مسیر هدف اصلی خود حرکت نماید.

در این گزارش جزئیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور در قسمت احکام از منظر حقوقی بررسی خواهد شد.

تبصره «۱»

بند «الف»

۱. در این بند، برخلاف متن قانون بودجه سال ۱۴۰۱، به جای «منابع حاصل از صادرات نفت»،^۱ بر «منابع حاصل از صادرات نفت خام» به عنوان سهم صندوق توسعه ملی تصریح شده است که این امر به جهت مغایرت با سیاست‌های کی نظام، با اصول پنجاه و هفتم و یکصد و دهم قانون اساسی مغایر به نظر می‌رسد. توضیح اینکه بند «۱۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه حکم به «واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن» به صندوق توسعه ملی کرده بود. براساس این سیاست کلی، ماده (۱۶) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مجلس^۲ و بند «ب» ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ احکامی را مقرر کرده بودند که همچنان معتبر هستند.

۲. مبنای قانونی ذیل فراز اول و فراز دوم این بند، ناظر بر سه درصد (۳٪) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی، بند «ت» ماده (۳۲) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ مجلس^۴ است که اولاً در ردیف درآمدی ۲۱۰۱۰۹ جدول شماره (۵) مبلغ ۱ پانزدهم، ۵ میلیارد تومان برای عنوان «سه درصد صادرات نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز طبیعی (تسعیر به نرخ ای. تی. اس)» آمده است که این عدم تطابق و مغایرت عنوان ردیف درآمدی مزبور با حکم قانونی مزبور (که طبق ماده (۱۲۲) قانون برنامه ششم، جزئی از قانون برنامه است) به دلیل مغایرت با قانون برنامه، طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، برای تصویب نیاز به رأی دوسوم نمایندگان خواهد داشت.

۱. بند «۱» ماده (۱) قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰/۳/۲۲: «۱- نفت: هیدروکربورهایی که به صورت نفت خام، میعانات گازی، گاز طبیعی، قیر طبیعی، پلمه سنگ‌های نفتی و ماسه‌های آغشته به نفت به حالت طبیعی یافت شده و با طی عملیات بالادستی به دست می‌آید». پس اولاً «نفت» مفهومی فراتر از «نفت خام» است و «میعانات گازی» از مصادیق نفت است.

۲. ماده (۱۶) ... ح (منابع صندوق):

۱. حداقل معادل سی درصد (۳۰٪) از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، میعانات گازی، گاز و فراورده‌های نفتی) در سال‌های برنامه و تعیین مبلغ آن در قوانین بودجه سنواتی
۲. حداقل بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات تهرتری اقلام فوق‌الذکر
۳. افزایش سهم واریزی از منابع بندهای «۱» و «۲» هر سال به میزان سه واحد درصد
۴. پنجاه درصد (۵۰٪) مانده نقدی حساب ذخیره ارزی در پایان سال ۱۳۸۹ و سال‌های بعد
۵. منابع قابل تحصیل از بازارهای پولی بین‌المللی با مجوز هیئت امنای رعایت قوانین مربوط
۶. سود خالص صندوق طی سال مالی
۷. درآمد حاصل از سود موجودی حساب صندوق در بانک مرکزی، معادل میانگین نرخ سود سپرده‌های بانک مرکزی در بازارهای خارجی با محاسبه و پرداخت هر سه ماه یک بار
۸. بیست درصد (۲۰٪) منابع موضوع جزء «د» بند «۴» قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور

تبصره «۱»- بازپرداخت اصل و سود تسهیلات پرداختی از محل صندوق توسعه ملی به حساب صندوق واریز و مجدداً در جهت اهداف صندوق به کار گرفته می‌شود.

تبصره «۲»- حساب‌های صندوق فقط نزد بانک مرکزی نگهداری خواهد شد.

۳. ماده (۷) ...- (ب)

۱. سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت، میعانات گازی و خالص صادرات گاز در سال اول اجرای قانون برنامه سی درصد (۳۰٪) تعیین می‌شود و سالانه حداقل دو واحد درصد به این سهم اضافه می‌شود. بانک مرکزی مکلف است در طول سال و متناسب با وصول منابع بلافاصله نسبت به واریز این وجوه و سهم چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) شرکت ملی نفت ایران از کل صادرات نفت و میعانات گازی و همچنین سهم سه درصد (۳٪) مناطق نفت‌خیز، گازخیز و توسعه‌نیافته اقدام کند و از محل باقیمانده، سهم بودجه عمومی دولت از منابع موضوع این جزء در سقف جدول شماره (۴) این قانون تعیین و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و مابقی را به حساب ذخیره ارزی واریز نماید

۴. ت) دولت مکلف است سه درصد (۳٪) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی را به ترتیب یک سوم به استان‌های نفت‌خیز و گازخیز که سهم هر استان براساس سهم آن استان در ارزش صادرات نفت خام و خالص صادرات گاز طبیعی تعیین می‌گردد و دوسوم به شهرستان‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته که براساس شاخص‌های توسعه‌نیافتگی به تفکیک شهرستان توسط سازمان برنامه و بودجه کشور تعیین می‌شود، جهت اجرای برنامه عمرانی بودجه‌های سنواتی اختصاص دهد. این اعتبار صرفاً به مناطق نفت‌خیز و مناطق توسعه‌نیافته اختصاص می‌یابد و موجب کاهش سهم اعتبارات استانی این مناطق نمی‌شود.



همچنین ارقام ردیف‌های درآمدی ۲۱۰۱۰۱ و ۲۱۰۱۰۲ و ۲۱۰۱۰۹ با یکدیگر تطابق ندارند؛ زیرا باید سه درصد مجموع ردیف‌های ۲۱۰۱۰۱ و ۲۱۰۱۰۲ (۴۳۸ همت^۱ و ۶۵ همت)، مساوی با ردیف درآمدی ۲۱۰۱۰۹ (۰.۱ پانزدهم همت) شود حال آنکه چنین نمی‌شود و سه درصد مساوی پانزدهم همت می‌شود؛ به بیان دیگر، کمتر از یک‌صدم سهم سه درصدی، در ردیف مزبور درج شده است. ثانیاً منابع مزبور طبق این بند باید طبق جدول شماره ۱۰ هزینه شوند؛ آیا این هزینه‌کرد طبق ضوابط قانونی مصرح در بند «ت» ماده (۳۲) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور است یا خیر. با توجه به جدول مزبور این امر، قابل رصد و ارزیابی قانونی نیست.

۳. فراز آخر این بند از جهت ایجاد تکلیف برای صندوق توسعه ملی برای ارائه گزارش عملکرد درخصوص این بند و درخصوص مواردی که مسئولیتی ندارد (نظیر مقدار صادرات نفت)، به جهت مغایرت با نظام اداری صحیح مغایر با بند «۱۰» اصل سوم قانون اساسی به نظر می‌رسد. به علاوه، نظر به ضرورت «استقلال مصارف صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه‌ای و قوانین عادی» مصرح در جزء «۳» بند «۱۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم، تعیین تکلیف برای صندوق در بودجه، با حکم مزبور و در نتیجه با اصول پنجاه و هفتم و یکصد و نهم قانون اساسی، مغایر به نظر می‌رسد.

بند «ب»

۱. استفاده از واژه «ارزش» در عبارت «منابع حاصل از ارزش صادرات...» با نص بند «۱۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم^۲ مغایر است.

۲. در این بند تصریح شده است که سقف منابع حاصل از ارزش صادرات نفت خام در ردیف شماره ۲۱۰۱۰۱ آمده است؛ در حالی که عنوان ردیف مزبور، «منابع حاصل از صادرات نفت (تسعیر به نرخ ای. تی. اس)» آمده است. این تفاوت تعبیر، باید اصلاح شود. ضمن اینکه براساس بند «۱» ماده (۱) قانون نفت، «نفت خام» و «میعانات گازی» و «گاز طبیعی» از مصادیق نفت هستند.

۳. در این بند تصریح شده است که سقف منابع حاصل از ارزش صادرات میعانات گازی در ردیف شماره ۲۱۰۱۰۵ آمده است؛ در حالی که عنوان ردیف مزبور، «منابع حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی و میعانات گازی» آمده است. این تفاوت تعبیر، باید اصلاح شود.

۴. در این بند تصریح شده است که سقف منابع حاصل از ارزش خالص صادرات گاز طبیعی در ردیف شماره ۲۱۰۱۰۲ آمده است؛ در حالی که عنوان ردیف مزبور، «منابع حاصل از صادرات میعانات گازی و خالص صادرات گاز طبیعی (تسعیر به نرخ ای. تی. اس)» آمده است. این تفاوت تعبیر، باید اصلاح شود.

۵. در این بند تصریح شده است که سقف منابع حاصل از خوراک تحویلی به پتروشیمی‌ها در ردیف شماره ۲۱۰۱۰۶ آمده است؛ در حالی که عنوان ردیف مزبور، «منابع حاصل از یک در هزار ارزش نفت خام تولیدی موضوع برقی کردن چاه‌های کشاورزی» آمده است. این تفاوت تعبیر، باید اصلاح شود.

۶. در انتهای فراز اول این بند تصریح شده است که «صادرات فرآورده‌های نفتی مشمول این حکم» نیست؛ حال آنکه عنوان ردیف شماره ۲۱۰۱۰۵ مصرح در این بند، «منابع حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی و میعانات گازی» است.

۱. هزار میلیارد تومان.

۲. «۱۰.... واریز سالانه ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن».

- این تناقض با اصول قانون‌نویسی صحیح موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری مغایرت دارد.
۷. عبارت دستگاه‌های اجرایی از حیث مشخص نبودن مصداق قانونی آن دارای ابهام است.
۸. در این بند واژه «خام» در جهت انطباق با بند «۱۰» سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه باید حذف شود.

بند «ج»

۱. حکم ذیل این بند به جهت عدم لحاظ کردن سهم صندوق توسعه ملی و به تبع آن، مغایرت با سیاست‌های کلی نظام با اصول پنجاه‌هفتم و یکصدودهم قانون اساسی مغایرت دارد. در صورت تحقق درآمد مازاد بر سقف مقرر در بند «ب» این تبصره، درآمد حاصله باید پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی، بابت سایر هزینه‌های مصوب به مصرف برسد.
۲. با توجه به حجم بدهی دولت به صندوق توسعه ملی و نظر به اینکه منابع صندوق توسعه مستظهر به سیاست‌های کلی نظام است و با توجه به بند «الف» تبصره «۱» قانون بودجه سال ۱۴۰۰، باید منابع مازاد بر سقف برآوردی در بند «ب» تبصره «۱» لایحه کلاً برای بازپرداخت بدهی دولت به صندوق اختصاص یابد و آلاً با اصول پنجاه‌هفتم و یکصدودهم قانون اساسی مغایرت دارد.

توضیح اینکه بند «الف» تبصره «۱» قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور، سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز را ۲۰ درصد دانسته و اختلاف میان این سهم و سهم قانونی وقت (۳۸ درصد) را به‌عنوان وام صندوق توسعه ملی به دولت تلقی کرد. از آنجا که این حکم خلاف سیاست‌های کلی نظام بود، دولت از مقام معظم رهبری تقاضای موافقت با این امر را کرد. معظم‌له، با این تقاضا مشروط به اینکه کلیه تسهیلات سررسیدشده دولت از صندوق توسعه ملی، از محل سهم دولت از مازاد بر یک میلیون بشکه در روز بازپرداخت شود، موافقت کردند. هیئت امنای صندوق توسعه ملی در جلسات مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ و ۱۳۹۹/۷/۲ تصمیمی مبنی بر امهال بخش عمده بدهی‌های سررسید شده دولت تا سال ۱۳۹۹ به صندوق توسعه ملی به سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ گرفت. بر همین اساس، در بند «ب» تبصره «۱» قانون بودجه سال ۱۴۰۱ مقرر شده است: «در صورت تحقق درآمد مازاد بر سقف مقرر در بند «ب» این تبصره، درآمد حاصله پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی بابت تسویه بخشی از بدهی دولت به حساب صندوق مذکور واریز می‌گردد» از شروط حکم رهبری برای استفاده دولت از منابع صندوق توسعه ملی، بازپرداخت «کلیه تسهیلات اعطایی به این صندوق بوده است و به همین جهت، پیش‌تر در قوانین بودجه (برای مثال در جزء «۴» بند «ه» تبصره «۴» قانون بودجه سال ۱۳۹۸ و جزء «۱» بند «ز» تبصره «۴» قانون بودجه سال ۱۳۹۷)^۱ تصریح شده بود: «بازپرداخت تسهیلات مذکور و نیز بازپرداخت تسهیلات مربوط به برداشت دولت از صندوق در بودجه سال ۱۳۹۷، در بودجه‌های سنواتی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴ منظور و به حساب صندوق توسعه ملی واریز شود».

بند «د»

واژه «پروژه» مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید حذف شود.

بند «و»

۱. واژه ال‌سی مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است لذا باید حذف شود.
۲. به‌دلیل ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه‌ودوم قانون اساسی است.

۱. ز. تسهیلات بندهای «د» و «ه» این تبصره با شرایط زیر اختصاص می‌یابد:
 ۱. تسهیلات مذکور در بودجه‌های سنواتی ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ منظور و به حساب صندوق توسعه ملی واریز گردد.

**بند «ز»**

به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند «ی»

۱. عبارت «دستگاه‌های اجرایی» دارای ابهام است.
۲. در جزء «۱» واژه «ای.تی.اس» مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است لذا باید حذف شود.
۳. در جزء «۳» عبارت «دستگاه‌های اجرایی» دارای ابهام است.

بند «ک»

سه‌م درصدی هر کدام از مصادیق مندرج در این بند (آسفالت راه‌های فرعی و روستایی، شبکه راه‌های اصلی، فرعی و طرح‌های مسکن مهر و مسکن ملی، آسفالت معابر و بهسازی روستاها و شهرها، پروژه‌های تنش آبی روستاها، مدارس روستایی و عشایری) باید توسط مقنن معلوم شود و گرنه به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ل»

۱. مفاد این حکم باید در قانون مرتبط یعنی قانون حمایت از توسعه صنایع پایین دستی نفت خام و میعانات گازی با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۲. از حیث وجود اعضای غیروزیر و خارج از قوه مجریه در شورای اقتصاد، اعطای صلاحیت مذکور در این بند، مغایر با اصل شصتم قانون اساسی است لذا این صلاحیت به وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان برنامه و بودجه کشور واگذار شود.

بند «م»

۱. فراز آخر این بند مغایر اصل یکصد و هشتاد و هشتم قانون اساسی است.
۲. مفاد این حکم باید در قانون مرتبط یعنی قانون نفت درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

تبصره «۲»**بند «ب»**

۱. مفاد این بند به دلیل ماهیت تقنینی آن مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.
۲. مفاد این بند به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای آن مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند «ج»

۱. مفاد این بند مغایر جزء «۱» بند «د» سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است.
۲. این حکم باید در قانون مرتبط مثل قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی درج شود نه در قانون بودجه سالانه، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۳. مفاد این بند به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای آن مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند «د»

۱. مفاد این بند مغایر جزء «۱» بند «د» سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است.

۲. نحوه، حدود، ثغور، میزان و مقدار حمایت از هر سهام‌دار نیز معلوم نیست و دارای ابهام است لذا مغایر اصول

قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۳. عبارت «حمایت از سهام‌داران خرد» مغایر جزء «۲» بند «د» سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است.

۴. مفاد این بند به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای آن مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند «ه»

این حکم متضمن اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم است لذا باید در قانون مذکور درج شود نه در قانون بودجه سالانه لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «و»

۱. واژه پروژه مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

۲. اطلاق حکم این بند مغایر جزء «۱» بند «الف» سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است.

۳. مفاد این بند به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای آن مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند «ز»

۱. اطلاق حکم این بند مغایر جزء «۱» بند «الف» سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است.

۲. عبارت «طرح‌های مهم و راهبردی کشور» دارای ابهام است و تعریف قانونی ندارد.

۳. این حکم متضمن اصلاح ماده ۱۶ (۱۶) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور است، لذا

مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۴. مفاد این بند به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای آن مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند «ح»

به دلیل اصلاح قانون مالیات بر ارزش افزوده لازم است این حکم در متن قانون مذکور درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ط»

۱. به دلیل ارتباط موضوع این حکم با احکام قانون محاسبات عمومی کشور لازم است این حکم در متن قانون مذکور درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۲. عبارت «ردیف ۱۳۰۱۰۸ به این بند اختصاص دارد» متضمن حکمی نیست، لذا باید حذف شود.

۳. حکم جزء «۱» به دلیل ارتباط موضوعی با احکام قانون محاسبات عمومی کشور لازم است در متن قانون مذکور درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی



- موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۴. حکم جزء «۲» به دلیل ارتباط موضوعی با احکام قانون مدیریت خدمات کشوری لازم است در متن قانون مذکور درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۵. حکم جزء «۳» به دلیل ماهیت تقنینی آن قابل تفویض نیست، لذا مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است.
۶. حکم جزء «۳» به دلیل ارتباط موضوعی با احکام قانون مدیریت خدمات کشوری لازم است در متن قانون مذکور درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۷. حکم جزء «۴» به دلیل ارتباط موضوعی با احکام قانون مدیریت خدمات کشوری لازم است در متن قانون مذکور درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ی»

این حکم به دلیل ارتباط موضوعی با احکام قانون محاسبات عمومی کشور لازم است در متن قانون مذکور درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

تبصره «۳»

بند «الف»

از حیث وجود اعضای غیروزیر و خارج از قوه مجریه در شورای اقتصاد، اعطای صلاحیت مذکور در این بند، مغایر با اصل شصتم قانون اساسی است، لذا این صلاحیت به وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان برنامه و بودجه کشور واگذار شود.

بند «ب»

واژه پارک مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف و معادل فارسی آن جایگزین شود.

بند «ج»

واژه ای.آی.بی مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

تبصره «۴»

بند «الف»

۱. موضوع روش‌های مشارکت عمومی و خصوصی هنوز به تصویب مقنن نرسیده است، لذا مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است.
۲. احکام این بند باید در قانون مرتبط مثل قانون برگزاری مناقصات قید شود نه در قانون بودجه سالانه، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۳. واژه پروژه مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.
۴. جزء «۳» متضمن اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم است، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۵. در جزء «۴» عبارت «هرگونه تغییر و تفسیر مقررات نیز، فقط در صورتی معتبر است که در این پایگاه منتشر شده باشد» در خصوص مصوبات موضوع اصل یکصدوسی‌وهشتم، مغایر صلاحیت ذاتی هیئت وزیران، کمیسیون متشکل از چند وزیر یا هریک از وزرا مندرج در اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی است.
۶. در جزء ۵ عبارت «دستگاه اجرایی» به جهت مشخص نبودن مصداق قانونی دارای ابهام است.

بند «ب»

- موارد مندرج در این بند به دلیل ماهیت تقنینی آن مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است و قابل تصویب در قالب آیین‌نامه نیست.
- در این بند صلاحیت‌های زیر را به آیین‌نامه داده است که در صلاحیت قانونگذار است:
- نحوه احراز صلاحیت و انتخاب سرمایه‌گذار، نحوه بهره‌برداری، تعیین میزان پوشش خطرپذیری، وضع وجه التزام عدم پرداخت کاربران و دیرکرد در پرداخت و نحوه وصول و هزینه‌کرد آن، نظارت بر نحوه بهره‌برداری، تضامین طرفین، داوری و حل اختلاف.

تبصره «۵»

بند «الف»

۱. از حیث وجود اعضای غیروزیر و خارج از قوه مجریه در شورای اقتصاد، اعطای صلاحیت مذکور در این بند، مغایر با اصل شصتم و یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی است، لذا این صلاحیت به وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان برنامه و بودجه کشور واگذار شود.
۲. اوراق مالی اسلامی و اسناد خزانه اسلامی در بند «الف» و سایر بندها به دلیل عدم تعریف قانونی و تعیین حدود و ثغور آنها توسط مقنن دارای ابهام است.

بندهای «ب» و «ج»

- در بندهای «ب» و «ج»، الزام طلبکاران به دریافت اسناد خزانه اسلامی یا اوراق مالی اسلامی مغایر اصل چهلم و بند «۵» اصل چهلم و سوم قانون اساسی است.

**بند «ه»**

بند «ه» به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای آن مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند «و»

در جزء «۱» واژه «ریپو» مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

بند «ز»

مفاد این حکم متضمن اصلاح ماده (۱۴) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور است، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ط»

عبارت «جمعی-خرجی» فاقد تعریف قانونی است، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ک»

۱. اسناد خزانه اسلامی، اوراق مرابحه عام و اوراق منفعت دارای تعریف قانونی نیستند، لذا به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۲. مفاد این حکم متضمن اصلاح ماده (۲۷) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران است و اصلاح مذکور باید در قانون یاد شده انجام شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ل»

۱. مفاد این حکم باید در قانون مرتبط مثل قانون محاسبات عمومی کشور درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۲. روش محاسبه به صورت ساده دارای ابهام است، لذا به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «م»

۱. مفاد این حکم باید در قانون مرتبط مثل قانون محاسبات عمومی کشور درج شود نه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۲. تعیین مرجع رسیدگی و تأیید بدهی‌ها و مطالبات توسط سازمان برنامه و بودجه کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی به جهت ماهیت تقنینی مغایر اصول یکصدوسی و سوم و هشتادوپنجم قانون اساسی است.

تبصره «۶»

بند «ب»

۱. حکم این بند به دلیل نداشتن ماهیت بودجه‌ای مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است و به دلیل آنکه مستلزم اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم است، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۲. عبارت «بخشی از پرونده‌های مؤدیان» دلالت بر تبعیض ناروا می‌کند که با بند «۹» اصل سوم قانون اساسی و بند «۴» سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه مغایرت دارد.

۳. عبارت «مؤدیان بزرگ» به دلیل عدم تعیین ضابطه قانونی تشخیص و تعیین، دارای ابهام می‌باشد و به دلیل تفویض تشخیص آن به دستورالعمل مصوب وزیر امور اقتصادی و دارایی مغایر اصول پنجاه و یکم و هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

۴. عبارت «بعد از ابلاغ این قانون» دارای ابهام است؛ زیرا مشخص نشده است منظور ابلاغ توسط چه شخص به شخص یا مقامی می‌باشد، لذا به عبارت «بعد از لازم‌الاجرا شدن این قانون» تغییر یابد.

۵. حکم ذیل این بند، در خصوص قطعی شدن پرونده‌های مالیاتی مبتنی بر اظهارنامه تسلیمی، به دلیل تبعیض ناروا میان اشخاصی که پرونده قطعی شده یا مورد رسیدگی قرار گرفته و اشخاصی که پرونده آنها قطعی یا مورد رسیدگی قرار نگرفته است، و خدشه‌دار کردن اصل تساوی عموم در برابر قانون مغایر بندهای «۹» و «۱۰» اصل سوم قانون اساسی است. همچنین حکم مذکور به جهات مختلف، با عدالت مالیاتی مطرح شده در بند «۴» سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه و جزء بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری و بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری در تعارض است.

۶. رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی بدون تعیین ضابطه قانونی توسط مقنن و تفویض آن به دستورالعمل مصوب وزیر امور اقتصادی و دارایی مغایر اصول پنجاه و یکم و هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ه»

عبارت «سایر افرادی که از پرداخت ناتوان هستند»، به دلیل عدم بیان ضابطه تشخیص آن و همچنین عدم تعیین مرجع تشخیص افراد واجد شرایط، دارای ابهام و در نهایت در فرض تفویض تشخیص به وزارت نیرو مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «و»

اعطای صلاحیت تعیین نرخ تعرفه شرکت‌های معتمد ارائه‌دهنده خدمات مالیاتی به شورای اقتصاد، از آنجایی که ضوابط و ملاک‌های تعیین آن بیان نشده است، مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون به نظر می‌رسد. از طرف دیگر از حیث وجود اعضای غیروزیر و خارج از قوه مجریه در آن شورا، اعطای صلاحیت مذکور، مغایر با اصل شصتم قانون اساسی به نظر می‌رسد.

بند «ز»

۱. حکم این بند، به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای، مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

۲. از آنجایی که در ماده (۱۶۹) مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، ذیل نظام یکپارچه اطلاعات مالیاتی، حکم این ماده بیان شده است، قانونگذاری جدید در این خصوص زائد و مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است و اگر قرار بر



اصلاح ماده مذکور باشد باید این اصلاح در قانون مالیات‌های مستقیم صورت گیرد نه در قانون بودجه سالانه.

۳. واژه وب سرویس مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است لذا باید حذف شود.

بند «ح»

- این بند، به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند «ط»

۱. به دلیل اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم لازم است این حکم در متن قانون مذکور درج شود نه در قانون بودجه سالانه، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۲. واژه دیجیتال مغایر اصل پنجاه و دوم و پانزدهم قانون اساسی است لذا باید حذف شود و معادل فارسی آن (رقومی) جایگزین شود.

بند «ی»

۱. این بند، به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی به نظر می‌رسد.

۲. از حیث وجود اعضای غیروزیر و خارج از قوه مجریه در شورا اقتصاد، اعطای صلاحیت مذکور در این بند، مغایر با اصل شصتم قانون اساسی به نظر می‌رسد.

۳. به دلیل اصلاح قانون مالیات بر ارزش افزوده لازم است این حکم در متن قانون مذکور درج شود نه در قانون بودجه سالانه، لذا از این حیث مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ک»

۱. این بند، به دلیل ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی به نظر می‌رسد.

۲. واژه‌های کنتر و آمپراژ مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی هستند لذا باید حذف شوند.

بند «ل»

اینکه در قانون بودجه، اجرای حکمی از قانون دائمی متوقف شود، مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است و در صورت اصرار بر تصویب، مطابق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، تصویب جزء حاضر، نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

بند «م»

۱. این بند، به دلیل اصلاح بند «ر» ماده (۱۱۹) قانون «امور گمرکی»^۱ در حوزه معافیت از پرداخت از حقوق ورودی و عوارض گمرکی، ماهیت غیربودجه‌ای دارد و مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی و نیز مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است. طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، تصویب جزء حاضر، نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

۲. با توجه به حکم بند «ز» ماده (۱۱۹) قانون امور گمرکی عبارت «هلال احمر» زائد است.

۳. واژه‌های آمبولانس و اورژانس مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی هستند، لذا باید معادل فارسی آنها (بیماربر و فوریت‌های پیش بیمارستانی) جایگزین شود.

۱. ر) وسائط نقلیه از جمله آمبولانس، خودروهای فرماندهی امداد و نجات، خودروهای ویژه امداد و نجات به استثنای سواری، دارو، لوازم پزشکی طبی و بیمارستانی، بالگرد و قایق امدادی، مواد غذایی، پوشاک، پتو، چادر، خانه‌های پیش‌ساخته یا سایر کالاهای امداد و نجات مورد نیاز که به منظور کمک به آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی یا حوادث غیرمترقبه یا سایر وظایف و مأموریت‌های تصریح شده در اساسنامه هلال احمر جمهوری اسلامی ایران که به نام هلال احمر جمهوری اسلامی ایران وارد می‌شود با تشخیص وزارت امور اقتصادی و دارایی.

بند «ن»

۱. حکم این بند، به دلیل اصلاح ماده (۱۴۱) قانون مالیات‌های مستقیم، در مقام اصلاح قوانین دائمی، مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۲. واگذاری تعریف فهرست مواد خام و نیمه‌خام به آیین‌نامه موضوع این بند، مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی، مبنی بر صلاحیت انحصاری مجلس شورای اسلامی در وضع قوانین است.

بند «س»

۱. با توجه به حکم ماده (۱۲۲) قانون برنامه ششم، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، جزئی از قانون برنامه ششم توسعه است. مفاد این بند که قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور را اصلاح کرده است، به منزله اصلاح مفاد قانون برنامه محسوب می‌شود؛ لذا طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، این بند برای تصویب نیاز به رأی دوسوم نمایندگان دارد.
۲. تعیین شاخص‌های مناطق و شهرستان‌های غیربرخوردار، ماهیت تقنینی دارد و واگذاری آن به تصویب هیئت وزیران، با صدر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی مغایر است. این شاخص‌ها باید با رعایت ملاک‌های مندرج در بند «پ» ماده (۳۲) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور باشد.
۳. اصلاح قانون دائمی براساس این حکم در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳) مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ع»

۱. در این بند، با عنایت به اینکه در جزء «۲» ماده (۳۸) و ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، منابع در حساب تمرکز وجوه، نزد خزانه کل واریز می‌شود، به دلیل عدم گردش خزانه، مغایر اصل پنجاهوسوم قانون اساسی است.
۲. با عنایت به اینکه در بند «الف» ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۴۰۰، نحوه تقسیم وجوه مشخص شده است، حکم ذیل این بند، در مقام اصلاح قانون مذکور است. لذا طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، تصویب آن نیازمند رأی دوسوم نمایندگان مجلس است.
۳. اصلاح قانون مالیات بر ارزش‌افزوده براساس این حکم در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳) مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۴. واژه پروژه مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

بند «ف»

۱. در این بند، اصطلاح «نهادهای عمومی» از حیث تعریف قانونی، ابهام دارد. در قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور، از عبارت «وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی» استفاده شده بود.
۲. مفاد این بند باید در متن قانون مرتبط یعنی مالیات‌های مستقیم درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ص»

۱. براساس بند «ج» ماده (۱) و ماده (۲) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، همه مصادیق مذکور در این جزء ملزم به استفاده از پایانه فروشگاهی نمی‌باشند و صرفاً اشخاصی که با مصرف‌کننده نهایی ارتباط دارند، ملزم به



استفاده از پایانه فروشگاهی هستند؛ اگر موارد مذکور در این بند، با مصرف‌کننده نهایی در ارتباط نباشد، حکم این جزء به نوعی اصلاح قانون مذکور محسوب می‌شود و ماهیت غیربودجه‌ای دارد و مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است؛ لذا طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، تصویب آن، نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

۲. مفاد این بند باید در متن قانون مرتبط یعنی پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام است.

بند «ق»

۱. واژه کنسول مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

۲. مفاد این بند باید در متن قانون مرتبط یعنی مالیات‌های مستقیم درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ر»

۱. اطلاق دسترسی سازمان امور مالیاتی و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، به قراردادهای بدون رعایت ملاحظات امنیتی مبتنی بر نظرات شورای نگهبان مغایر شرع به نظر می‌رسد.

۲. واژه کد مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

۳. مفاد این بند باید در متن قانون مرتبط یعنی مالیات‌های مستقیم درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۴. عبارت «عدم اجرای این حکم از سوی هر شخص حقیقی یا حقوقی استنکاف از اجرا محسوب می‌شود» در فراز آخر این بند دارای ابهام است و لذا مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ش»

- این بند به دلیل اصلاح قوانین دائمی (ماده (۱۰۰) طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

بند «ت»

۱. این بند مغایر بند «الف» ماده (۶) قانون برنامه ششم توسعه است. با این اوصاف تصویب حکم حاضر طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیازمند رأی دوسوم نمایندگان مجلس می‌باشد.

۲. مفاد این بند باید در متن قانون مرتبط یعنی مالیات‌های مستقیم درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۳. عبارت «اجازه داده می‌شود» به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است، لذا باید به عبارت «مکلف است» تغییر یابد.

۴. واژه «حداکثر» به دلیل عدم شفافیت و شناور بودن میزان کاهش مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری و اصول پنجاه و یکم و هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ث»

۱. حکم جزءهای «۱» و «۲» باید در متن مرتبط یعنی قانون مالیات‌های مستقیم و قانون امور گمرکی درج شوند نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۲. در جزء «۱» تعیین فهرست تمامی معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و میزان معافیت آنها توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی مغایر اصول پنجاه‌ویکم و هشتادوپنجم قانون اساسی است.
۳. در جزء «۱» تعیین سیاست اعتبار مالیاتی و گمرکی با نرخ صفر توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی مغایر اصول پنجاه‌ویکم و هشتادوپنجم قانون اساسی است.
۴. در جزء «۲»، عبارت «دستگاه‌های اجرایی» با عنایت به تعاریف متعدد، دارای ابهام است.
۵. در جزء «۲»، عبارت «جمعی - خرجی» فاقد تعریف قانونی است، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۶. در جزء «۲»، ثبت معافیت‌ها و تخفیفات مالیاتی و گمرکی به صورت جمعی - خرجی، فارغ از نداشتن تعریف قانونی، به دلیل نداشتن گردش خزانه، مغایر اصل پنجاه‌وسوم قانون اساسی است.
۷. جزء «۳»، به دلیل اصلاح بند «ل» ماده (۱۳۹) قانون مالیات‌های مستقیم، ماهیت غیربودجه‌ای دارد و مغایر اصل پنجاه‌دوم قانون اساسی است.
۸. در جزء «۴»، عبارت «مؤسسات کنکور دانشگاه‌ها» دارای ابهام است. لذا به جهت عدم رعایت شفافیت مغایر جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۹. حکم جزء «۴» باید در متن قانون مرتبط یعنی مالیات‌های مستقیم درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۱۰. حکم جزء «۵»، به دلیل اصلاح جزء «۳» بند «ب» ماده (۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده، دارای ماهیت غیربودجه‌ای و مغایر اصل پنجاه‌دوم قانون اساسی است.
۱۱. حکم جزء «۶»، با توجه به اطلاق حکم بند «ب» ماده (پانزدهم ۹) قانون برنامه پنجم توسعه، به نوعی اصلاح قانون مذکور محسوب می‌شود و بنا به ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.
۱۲. محتوای حکم جزء «۶» باید در متن قانون مرتبط یعنی مالیات‌های مستقیم درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۱۳. در جزء «۶»، قراردادهای فروش ذکر نشده است و از این حیث محل ابهام و چالش خواهد بود.

بند «خ»

۱. حکم صدر این بند، در خصوص مالیات یک درصدی نسبت به خودروهای بیشتر از پانزده میلیارد ریال، از آنجایی که میان خودروهای بالاتر از مبلغ مذکور، درصد واحدی در نظر گرفته شده است، مغایر عدالت مالیاتی، مذکور در بند «۴» سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم به نظر می‌رسد.
۲. با عنایت به اینکه در جزء «۱» این بند، مهلت پرداخت مالیات موضوع این ماده، تا پایان بهمن‌ماه تعیین شده



است، تکلیف مالیات خودروهایی که بعد از بهمن تولید یا وارد می‌شوند، دارای ابهام است.

۳. در جزء «۲»، اعطای صلاحیت تغییر قیمت پایه به هیئت وزیران، مغایر اصول پنجاه و یکم و هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

۴. واژه کابین مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

۵. حکم این بند باید در متن قانون مرتبط یعنی مالیات‌های مستقیم درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
بند «ذ»

۱. حکم این بند باید در متن قانون مالیات‌های مستقیم درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۲. در جزء «۱»، مالیات برعهده شخصی که در ابتدای سال مالک واحد مسکونی و باغ‌ویلا شناخته شده است، گذاشته شده است. با عنایت به عدم تعیین دقیق زمان مالکیت، ممکن است در شخص پرداخت‌کننده مالیات اختلاف نظر ایجاد شود. لذا این جزء در این خصوص دارای ابهام است. آیا عبارت مذکور، در حدود مدت زمان مذکور در جزء «۳» است؟
۳. جزء «۲»، به دلیل عدم بیان، ضوابط و ویژگی‌های خانه‌ها و باغ‌ویلاهای در حال ساخت، دارای ابهام است. آیا ملاک پایان ساخت، پروانه اتمام کار شهرداری است یا تأیید سازمان امور مالیاتی و ...

۴. در جزء «۳» واژه آنلین مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

۵. حکم جزء «۴»، از این جهت که به ماده (۱۳۹) قانون مالیات‌های مستقیم مقید است یا خیر، محل ابهام است.

۶. در جزء «۵»، اعطای صلاحیت تغییر قیمت پایه به هیئت وزیران، مغایر اصول پنجاه و یکم و هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ض»

۱. حکم این بند باید در متن قانون مرتبط یعنی اصلاح الگوی مصرف انرژی درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۲. عبارت «هرگونه اعطای معافیت غیر از این بند ممنوع می‌باشد» زائد است.

بند «ظ»

۱. از آنجا که حکم ماده (۷۳) و (۹۴) قانون برنامه به‌وسیله حکم بند «۲» ماده (۵۵) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده نسخ شده‌اند، لذا استناد به قانون منسوخ محل اشکال است.

۲. حکم این بند باید در متن قوانین مرتبط مثل مالیات بر ارزش‌افزوده و تسهیل ازدواج جوانان درج شود نه در متن قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳)، لذا مغایر اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۳. در جزء «۲» سایر منابع درآمدی مورد حکم قرار نگرفته است، لذا نهادهای دولتی می‌توانند از محل این منابع، اموال بیت‌المال را در زمینه ورزش حرفه‌ای بدون ضابطه و چارچوب قانونی هزینه کنند.

تبصره «۷»

بند «ب»

۱. تعیین فهرست کالاهای اساسی توسط دولت به دلیل ماهیت تقنینی آن مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است، لذا باید این موضوع توسط خود مقنن تعیین تکلیف شود.
۲. اصلاح قانون امورگمرکی به‌عنوان یک قانون دائمی ضمن قانون بودجه یک‌ساله مغایر اصول قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ج»

به‌دلیل ماهیت غیربودجه‌ای این بند مغایر اصل پنجاه‌ودوم قانون اساسی است.

بند «د»

۱. به‌دلیل ماهیت غیربودجه‌ای این بند مغایر اصل پنجاه‌ودوم قانون اساسی است.
۲. واژه‌های داکت و اپراتور مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی هستند، لذا باید حذف شوند.
۳. دادن صلاحیت وضع مقررات به کمیسیون تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی به‌دلیل عضویت افراد غیروزیر و خارج از قوه مجریه مغایر اصول شصتم و یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی است. همچنین عدم تعیین ضابطه و چارچوب برای وضع تعرفه مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است.

بند «ه»

قانونی تحت عنوان «قانون پرداخت یک درصد از فروش معادن بابت اصلاح خرابی‌های وارده به منابع طبیعی و عوارض محیط‌زیستی» وجود خارجی ندارد. همچنین حکم فراز دوم این بند به‌دلیل ماهیت غیربودجه‌ای آن مغایر اصل پنجاه‌ودوم قانون اساسی است.

بند «و»

به‌دلیل ماهیت غیربودجه‌ای این بند مغایر اصل پنجاه‌ودوم قانون اساسی است.

بند «ز»

واژه سایبر مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

بند «ح»

واژه پروژه مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

بند «ط»

واژه دیجیتال مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

بند «ل»

اصطلاحات دخانیات و محصولات دخانی باید توسط مقنن تعریف شوند.

بند «م»

مفاد این بند به نوعی اصلاح ماده (۱۴۷) قانون مالیات‌های مستقیم است و بالطبع باید ماده مذکور مورد اصلاح قرار گیرد نه اینکه در قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۳) درج شود، لذا این نحوه قانون‌نویسی مغایر بند «۹»



سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «س»

۱. واژه فیبر مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.
 ۲. تأسیس صندوق توسعه شبکه ملی اطلاعات مغایر بند «۱۶» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بند «۱۰» سیاست‌های کلی نظام اداری است. می‌توان از ظرفیت شرکت ارتباطات زیرساخت یا سازمان فناوری اطلاعات بدون ایجاد تشکیلات جدید بهره گرفت.
- تعیین منابع صندوق مذکور توسط هیئت وزیران به دلیل ماهیت تقنینی آن مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره «۸»

بند «الف»

۱. واژه کنتور مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.
۲. در بند «الف» تنفیذ حکم قانون برنامه ششم با توجه به پیش‌بینی این موضوع در انتهای این لایحه زائد است.
۳. در بند «الف» واژه مجاز به واژه مکلف تغییر یابد.

بند «ب»

۱. واژه کنتور مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.
۲. واژه استراتژیک مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید حذف شود.
۳. واژه دستورالعمل باید به واژه آیین‌نامه تغییر یابد.

بند «ز»

۱. در جزء «۱» منظور از واژه دولت معلوم نیست و لذا به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
۲. در جزء «۲» واژه مجازند به واژه مکلفند تغییر یابد.

بند «ح»

عبارت «حقوق دولتی و رعایت ملاحظات محیط‌زیستی و حقوق ذی‌نفعان» دارای ابهام است و لذا به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ط»

۱. عضویت رئیس کل دادگستری استان در کارگروه مغایر اصول پنجاه و هفتم و شصتم قانون اساسی است.
۲. واژه مجازند به واژه مکلفند تغییر یابد.

بند «ل»

صلاحیت بانک مرکزی در وضع دستورالعمل مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

بند «م»

واژه کمیته مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید معادل فارسی آن جایگزین شود.

بند «ن»

واژه پرسنل مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید حذف شود.

بند «س»

عبارت سایر روش‌ها دارای ابهام است و لذا به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ع»

۱. واژه دستورالعمل باید به واژه آیین‌نامه تغییر یابد.
۲. صلاحیت سازمان برنامه و بودجه کشور در وضع دستورالعمل مغایر اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی است.

بند «ف»

عنوان دقیق و کامل سازمان قید شود (سازمان حفاظت محیط‌زیست).

تبصره «۹»**بند «الف»**

۱. عبارت اجازه داده می‌شود باید به واژه مکلفند تغییر یابد.
۲. واژه پارک مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید معادل فارسی آن جایگزین شود.

بند «ج»

۱. واژه مجاز به واژه مکلف تغییر یابد.
۲. واژه «آی.اس.سی» مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.
۳. صلاحیت افراد غیروزیر مغایر اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی است.
۴. واژه دستورالعمل باید به واژه آیین‌نامه تغییر یابد.

بند «د»

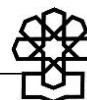
۱. عبارت «همان شرکت‌ها» باید به عبارت «همان شرکت‌ها، بانک‌ها و مؤسسات» تغییر یابد.
۲. واژه پارک مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید معادل فارسی آن جایگزین شود.
۳. واژه پروژه به دلیل مغایرت با اصل پانزدهم قانون اساسی حذف شود.

بند «ه»

واژه مجازند به واژه مکلفند تغییر یابد.

بند «و»

به دلیل عضویت افراد غیروزیر و غیرقوه مجریه در شورا مغایر اصول شصتم و یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی است.

**بند «ز»**

واژه هتل مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.

بند «ح»

صلاحیت افراد غیروزییر مغایر اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی است.

واژه دستورالعمل باید به واژه آیین نامه تغییر یابد.

بند «ط»

عبارت دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی واجد ابهام است و لذا به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

تبصره «۱۰»**بند «الف»**

- واگذاری صلاحیت به «شورای عالی بیمه» به دلیل عضویت افراد غیروزییر و خارج از قوه مجریه در آن مغایر اصول شصتم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی است و پیشنهاد می‌شود تعرفه مذکور به پیشنهاد شورای عالی بیمه و به تصویب هیئت وزیران برسد.

- حکم این بند به منزله اصلاح حکم مندرج در بند «الف» ماده (۶) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و نیز ماده (۱۴۷) قانون مالیات‌های مستقیم است و مغایر اصول صحیح قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است و در صورت اصرار به تصویب آن، نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

- عبارت دستگاه‌های ذی‌ربط به دلیل عدم تعیین مصادیق قانونی واجد ابهام است.

بند «ب»

- در جزء «۱» با عنایت به عضویت اعضای غیروزییر و خارج از قوه مجریه در هیئت نظارت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، اعطای صلاحیت مذکور مغایر اصل شصتم قانون اساسی است.

- جزء «۲» به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند «ج»

در این بند عبارت «انجام مأموریت‌های محول» به جهت مشخص نبودن مصادیق آن واجد ابهام است.

بند «د»

- فراز اول و آخر این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

- حکم این بند به دلیل اصلاح ماده (۲۹) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مغایر اصول صحیح قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است و در صورت اصرار بر تصویب آن نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

- منظور عنوان «مؤسسات مجاز و صاحب صلاحیت غیردولتی»، به جهت فقدان ضوابط و چارچوب‌های قانونی تأسیس و شناسایی این مؤسسات واجد ابهام است. همچنین رابطه حقوقی میان مؤسسات با فراجا واجد ابهام است.

- پرداخت مستقیم سهم مؤسسات، به جهت عدم وجود گردش خزانه مغایر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی است.
بند «ه»
- اساساً موضوع این بند هیچ‌گونه ارتباطی با مفاد اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی ندارد و موضوع اصل چهارم حل «اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی» از طریق هیئت وزیران است و حکم این بند مغایر اصل مذکور است.
- صدر بند از حیث اینکه دستگاه‌های ذیل قوه مجریه موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم، شامل مستثنیات آن هم می‌شود یا خیر واجد ابهام است.
- عنوان «دولت» از حیث عدم تعیین نهاد مشخص مرجع حل اختلاف در دولت دارای ابهام است.
- آیین حل و فصل اختلاف نیز به جهت عدم تعیین چارچوب و ضوابط آن واجد ابهام است.
- در جزء «۱» ممنوعیت دستگاه‌ها از طرح دعوا در مراجع قضایی مغایر اصل سی و چهارم، شصت و یکم، یکصد و پنجاه و ششم و یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی است.
- پیشنهاد می‌شود جهت رفع مغایرت این بند با اصول متعدد قانون اساسی، متن زیر جایگزین شود:
«معاونت حقوقی رئیس‌جمهور به‌عنوان مرجع حل و فصل اختلافات دستگاه‌های ذیل قوه مجریه در غیر از موارد موضوع اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی تعیین می‌شود. کلیه دستگاه‌های ذیل قوه مجریه مندرج در ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه و مستثنیات آن مکلفند پیش از طرح دعوا در مراجع قضایی، ابتداء اختلافات مربوط را از طریق مرجع مذکور در چارچوب احکام و موازین قانونی حل و فصل نمایند و این امر نافی صلاحیت دستگاه اجرایی در مراجعه به مرجع قضایی ذی‌صلاح در مرحله دوم نیست».
- بند «و»**
- این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.
بند «ز»
- جزء «۱» به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است. همچنین عنوان دستگاه‌های اجرایی از جهت عدم تعیین مصداق قانونی واجد ابهام است.
- در جزء «۲» تفویض تعیین ضوابط انتخاب و کیل یا مؤسسه حقوقی به معاونت حقوقی رئیس‌جمهور به دلیل ماهیت تقنینی آن مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است همچنین به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.
- جزء «۳» به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.
- جزء «۴» به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.
بند «ط»
- به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.
- حکم این بند از جهت اینکه ارسال پیامک، طریق منحصر اعلام پلیس است ابهام دارد و از آنجا که به هر دلیلی برخی افراد امکان دسترسی به تلفن همراه را ندارند می‌تواند موجب سلب حقوق ایشان گردد، لذا مغایر با بندهای «۹» و «۱۴» اصل سوم قانون اساسی است.

**بند «ک»**

- تمامی اجزاء این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.
- در جزء «۳» واژه‌های پلتفرم و سرویس مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.
- در جزء «۴» واژه کد مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است. همچنین در این جزء از آنجا که به هر دلیلی برخی افراد امکان دسترسی به تلفن همراه را ندارند می‌تواند موجب سلب حقوق ایشان گردد، لذا مغایر با بندهای «۹» و «۱۴» اصل سوم قانون اساسی است.
- در جزء «۵» عبارت «امور فاقد ماهیت قضایی»، دارای ابهام است و واگذاری تشخیص آن به قوه قضائیه بدون تعیین ضابطه قانونی مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است. همچنین رعایت ملاحظات محرمانگی برای بخش خصوصی مغایر نظام اداری صحیح موضوع بند «۱۰» اصل سوم قانون اساسی است مضاف بر اینکه به جهت عدم وجود ضابطه قانونی برای تعیین چارچوب حریم خصوصی اشخاص و نیز ملاحظات محرمانگی مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره «۱۱»**بند «الف»**

- واژه پروژه مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.
- حکم مذکور در این ماده به جهت عدم تعیین مؤدی ابهام دارد. پیشنهاد می‌شود که سازندگان به عنوان مؤدی پرداخت این مالیات تعیین گردند.

بند «ب»

- اطلاق این بند مغایر بندهای «۱» و «۱۰» سیاست‌های کلی بخش شهرسازی به نظر می‌رسد. توسعه و تقویت زیرساخت‌های تمامی سکونت‌های غیررسمی، به گسترش جمعیت و توسعه این مناطق منجر می‌شود. توسعه سکونت‌های غیررسمی باید با توجه به «چارچوب طرح آمایش سرزمینی و براساس استعدادهای اقتصادی و با رعایت معیارهای زیست‌محیطی و مراقبت از منابع آب و خاک کشاورزی، و ایمنی در مقابل سوانح طبیعی و امکان استفاده از زیرساخت‌ها و شبکه شهری» و «سطح‌بندی شهرهای کشور و جلوگیری از افزایش و گسترش بی رویه کلان‌شهرها» صورت پذیرد.
- عدم تسری موضوع حکم این بند به مناطق روستایی مغایر بند «۹» اصل سوم مبنی بر تبعیض نارواست. برای بهسازی و محرومیت‌زدایی سکونت‌های غیررسمی تفاوتی میان مناطق شهری و روستایی وجود ندارد.

بند «ج»

- واژه کنترل مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.
- پیش‌بینی «بازپرداخت اصل و سود سالانه از محل درآمدها» به عنوان محل تأمین اعتبار نصب دوربین در شرایطی که هنوز نصب نشده‌اند که درآمد داشته باشد تا از قبل آن دوربین نصب شود فاقد امکان عملی و خلاف نظام اداری صحیح است.
- نحوه بازپرداخت اصل و سود سرمایه شخص سرمایه‌گذار واجد ابهام است.
- عدم تعیین ضابطه و چارچوب در خصوص تعیین سود سرمایه‌گذاری و نیز شرایط رقابتی مغایر اصل هشتاد و پنجم

قانون اساسی است.

بند «د»

- حکم مذکور مبنی بر هزینه‌کرد درآمد موضوع این بند براساس اساسنامه صندوق خلاف اصل پنجاهوسوم قانون اساسی است چه آنکه به موجب این اصل همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.
- واژه پروژه مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.
- به موجب جزء «۱» بند «الف» سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی «با توجه به مسئولیت نظام در حسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل چهل و چهارم توسط دولت، بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است»، لذا عدم تعیین مدت در این بند مغایر حکم مذکور است.
- صلاحیت شورای پول و اعتبار در تعیین نرخ سود تسهیلات مغایر اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی است.

بند «ه»

- عنوان «دستگاه اجرایی» در این بند ابهام دارد. در قوانین مختلف این اصطلاح متفاوت تعریف شده است.
- در جزء «۱» عبارت «مأموریت‌های غیرهزینه‌ای» فاقد تعریف و ضابطه قانونی و مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است. همچنین اطلاق فروش یا واگذاری املاک با اصل هشتادوسوم و چهل و پنجم مغایر به نظر می‌رسد. باید انفال، بناها و نفایس ملی استثنا گردند.
- در جزء «۳» عبارت «طرح‌های پیشران و اولویت‌دار» واجد ابهام است.
- با توجه به مغایرت حکم این بند با ماده (۵۰) قانون «احکام دائمی برنامه‌های توسعه»^۱، تصویب این بند وفق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس نیازمند دوسوم آراست.
- در جزء «۶» تهاتر اموال دولتی بدون گردش خزانه مغایر اصل پنجاهوسوم به نظر می‌رسد.

بند «و»

- سازوکار مبادله و تهاتر بدون رعایت گردش خزانه مغایر اصل پنجاهوسوم قانون اساسی است.
- «طرح‌های مشارکت عمومی خصوصی» ابهام دارد و از آنجا که ضوابط طرح‌های مذکور هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان نرسیده است، لذا مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است.
- عنوان «دستگاه اجرایی» در این بند ابهام دارد. در قوانین مختلف این اصطلاح متفاوت تعریف شده است.

بند «ز»

- این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر اصل پنجاهودوم قانون اساسی است.
- در جزء «۱» ضابطه تعیین پاداش اشخاص مؤثر در شناسایی اموال غیرمنقول و نیز حق الزحمه کارشناس و نیز «سایر موارد» ابهام دارد و مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است و نیز می‌تواند اسباب سوءاستفاده از بیت‌المال را فراهم کند.

۱. ماده (۵۰) - دولت مجاز است سامانه تدارکات الکترونیکی دولت را برای اجرای تمام مراحل انواع معاملات وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات و سایر فواین مالی و معاملاتی بخش عمومی، با رعایت قانون تجارت الکترونیکی و قانون برگزاری مناقصات تکمیل کند. دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات و دیگر معامله‌کنندگان بخش عمومی، از جمله دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است و کلیه مؤسسات دولتی یا عمومی غیردولتی، باید برنامه زمانبندی مورد تأیید هیئت وزیران در این سامانه ثبت‌نام کنند و با امضای الکترونیکی معتبر و رعایت مقررات مربوط، تمام مراحل معاملات خود مانند درخواست استعلام، فراخوان، توزیع و دریافت اسناد، گشایش الکترونیکی پاکت‌ها یا پیشنهادها، انعقاد قرارداد و داد و ستد وجوه و تضمینات و نیز هرگونه الحاق، اصلاح، فسخ، ابطال و خاتمه قرارداد را از طریق این سامانه و به‌طور الکترونیکی انجام دهند.

**بند «ح»**

این بند ماهیت بودجه‌ای ندارد و لذا مغایر اصل پنجاه و دوم است.

بند «ط»

این بند ماهیت بودجه‌ای ندارد و لذا مغایر اصل پنجاه و دوم است.

بند «ی»

این بند ماهیت بودجه‌ای ندارد و لذا مغایر اصل پنجاه و دوم است.

بند «ک»

۱. باید ضابطه و سقف افزایش پلکانی عوارض درج گردد و آلا مغایر اصول پنجاه و یکم و هشتاد و پنجم قانون اساسی است.
۲. واژه پلاک مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید واژه معادل فارسی آن جایگزین شود.

بند «ل»

حکم این بند ماهیت بودجه‌ای ندارد و لذا مغایر اصل پنجاه و دوم به نظر می‌رسد و به جهت عدم گردش خزانه مغایر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی است.

بند «م»

- حکم این بند ماهیت بودجه‌ای ندارد و لذا مغایر اصل پنجاه و دوم است.
- عبارت «در قالب مقررات بانک مرکزی» دارای ابهام است و به جهت دارا بودن ماهیت تقنینی احکام موضوع این بند مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

تبصره «۱۲»**بند «الف»**

- با توجه به اینکه طبق ماده (۴۱) قانون کار^۱ مصوب ۱۳۶۹ به صورت مطلق تعیین حقوق و مزایای کارگران در صلاحیت شورای عالی کار است، لذا بند «الف» اصلاح قانون دائمی بوده و به جهت اصلاح قانون دائمی مغایر اصل سالانه بودن بودجه موضوع اصل پنجاه و دوم قانون اساسی و نیز به جهت عدم رعایت اصول قانون نویسی صحیحی مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
- با توجه به اینکه طبق تبصره ماده (۳۲) قانون مدیریت خدمات کشوری،^۲ قراردادهای اعم از ساعتی و کار معین است لذا ضروری است که در جزء «۱» پس از عبارت قرارداد کار معین عبارت «و ساعتی» الحاق گردد.
- در جزء «۱» دلیل ذکر تفاوت تطبیق‌های مذکور در قانون بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و عدم ذکر تفاوت

۱. ماده (۴۱) - شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

۱. حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود.
۲. حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین نماید.

تبصره - کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید پرداخت ننمایند و در صورت تخلف، ضامن تادیبه مابه‌التفاوت مزد پرداخت شده و حداقل مزد جدید می‌باشند.

۲. ماده (۳۲) - ...

تبصره - دستگاه‌های اجرایی می‌توانند در شرایط خاص با تأیید سازمان تا ده درصد (۱۰٪) پست‌های سازمانی مصوب، بدون تعهد استخدامی و در سقف اعتبارات مصوب افرادی را به صورت ساعتی یا کار معین برای حداکثر یک سال به‌کار گیرند.

تطبیق موجود در سنوات دیگر محل ابهام است.

- جزء «۳» بند «الف» از این جهت که اصلاح ماده (۱۶) قانون جوانی و جمعیت و حمایت از خانواده^۱ است مغایر اصل سالانه بودن بودجه موضوع اصل پنجاه و دوم قانون اساسی و نیز به جهت عدم رعایت اصول قانون‌نویسی صحیحی مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

- در جزء «۵» عبارت «سایر حمایت‌های متناسب با آن» دارای ابهام بوده و لازم است به صراحت مصادیق آن بیان شود؛ لذا از این جهت مغایر جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری به نظر می‌رسد.

بند «ب»

- در بند «ب» جانبازان، آزادگان، افراد تحت تکفل جانبازان متوفی و رزمندگانی که معسر بوده و فاقد شغل و درآمد هستند مشمول دریافت کمک معیشتی گردیده‌اند. در حالی که ذیل بند مذکور صرفاً میزان کمک معیشتی به جانبازان (اعم از بالای ۲۵ درصد یا ذیل ۲۵ درصد) و رزمندگان اشاره شده است. بنابراین میزان مبلغ کمک معیشتی به آزادگان و افراد تحت تکفل جانبازان متوفی که فاقد شغل و درآمد بوده و معسر هستند واجد ابهام است.

- در بند «ب» ضابطه و مبنای تعیین اولویت دهک‌های پایین‌تر و میزان پرداخت به اشخاص مذکور مشخص نیست و از این جهت ابهام دارد.

- جزء «۱» بند «ب» اولاً از جهت عدم تعیین ضابطه و تفویض تصویب آیین‌نامه اجرایی مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است. ثانیاً مرجع تصویب آیین‌نامه اجرایی مشخص نشده است و از این جهت ابهام دارد. ثالثاً منوط شدن پرداخت به سقف اعتبارات از این جهت که در صورت تجاوز مبلغ پرداختی به مشمولین از سقف، تکلیف چیست ابهام دارد؟

- در جزء «۳» بند «ب» منظور از پرداخت با اولویت دهک‌های پایین و نحوه پرداخت و تعیین این اولویت ابهام دارد.

- تفویض تصویب آیین‌نامه اجرایی در جزء «۳» بند «ب» به هیئت وزیران بدون تعیین ضابطه تعیین تکلیف دریافت‌کنندگان کمک معیشت، مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

- بند «ج» اولاً به دلیل عدم تعیین ضابطه و تفویض آن به هیئت وزیران مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است. ثانیاً عبارت «پرداخت‌های غیرمستمر» دارای ابهام است و مشخص نیست مقصود کلیه فوق‌العاده‌های غیرمستمر است و یا اینکه صرفاً فوق‌العاده بهروری مذکور در ماده (۶۹) قانون مدیریت خدمات کشوری^۲.

بند «د»

- در بند «د» تفویض تصویب موارد خاص به هیئت وزیران بدون تعیین ضابطه مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

- در بند «د» عدم تعیین سقف پرداخت در سایر موارد خاص توسط هیئت وزیران اولاً به جهت عدم تعیین ضابطه موارد خاص مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

۱. ماده (۱۶) - دولت مکلف است برای کلیه گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر در دستگاه‌های مذکور در ماده (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همچنین نیروهای مسلح، وزارت اطلاعات، سازمان انرژی اتمی (به‌استثنای مشمولین قانون کار) از قبیل کارکنان کشوری و لشکری، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و قضات، از ابتدای سال ۱۴۰۱، به مدت پنج سال، افزایش حقوق سالانه را در سقف ردیف حقوق و جبران خدمت به‌گونه‌ای اعمال نماید که هر ساله، کمک هزینه اولاد و حق عائله‌مندی مشمولین این ماده در چارچوب افزایش سنواتی حقوق و دستمزد به‌ترتیب به میزان صد درصد (۱۰۰٪) و پنجاه درصد (۵۰٪) افزایش یابد.

۲. ماده (۶۹) - به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود تا بیست و پنج درصد (۲۵٪) اعتباراتی که از محل اصلاحات مذکور در تبصره ماده فوق‌الذکر در هرکدام از واحدهای سازمانی صرفه‌جویی می‌گردد را (با تأیید ذی‌حساب مربوطه) به‌عنوان فوق‌العاده بهروری غیرمستمر به کارمندان و مدیرانی که در همان واحدها، خدمات برجسته انجام می‌دهند پرداخت نمایند.



- در بند «د» از جهت شمول بر مواردی نظیر «اضافه کار در موارد نیاز» و «ضرورت» و «حق مدیریت»، ابهام دارد. شایان ذکر است سابقاً نیز شورای نگهبان در مصوبه بودجه سال ۱۴۰۱ همین حکم را مورد ابهام دانسته است.

بند «ه»

- در بند «ه» هرچند در ماده (۱۰۷) قانون مدیریت خدمات کشوری،^۱ سقف پاداش پایان خدمت سی سال تعیین شده است؛ اما با عنایت به اینکه طبق تبصره بند «چ» ماده (۸۷) قانون برنامه ششم توسعه،^۲ مقرر شده است «در صورت دریافت پاداش پایان خدمت در بازنشستگی اول، پاداش مذکور مربوط به آن سنوات، مجدداً به این افراد تعلق نمی‌گیرد» و به نوعی پرداخت پاداش پایان خدمت مازاد بر سی سال به ایثارگرانی که اعاده به کار می‌شوند تجویز شده است؛ لذا از این جهت که به موجب این ماده، بند «چ» ماده (۸۷) قانون برنامه ششم اصلاح می‌گردد یا خیر، ابهام دارد.

بند «و»

- جزء «۳» بند «و» به جهت تفویض تعیین موارد استثنا بر مالیات پلکانی به تصویب شورای حقوق و دستمزد مغایر اصول پنجاه و یکم و هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ح»

- تصویب «نظام‌های پرداخت» توسط شورای حقوق و دستمزد مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ط»

- بند «ط» از جهت مغایرت با مواد مختلف قانون برنامه و ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

بند «ی»

حکم مذکور مبنی بر ممنوعیت پرداخت به کارکنانی که مسئولین سازمان متبوع آنها به تکلیف قانونی خود عمل نکرده‌اند، خلاف موازین شرع و اصل چهلم قانون اساسی است و لازم است برای متخلفین جرم‌انگاری شده و مجازات بازدارنده تعیین شود.

بند «ک»

- واژه (فیش) مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.
- عبارت «خلاف قانون دارای ابهام است» همچنین عدم تعیین ضمانت اجرا برای تکلیف مقرر در این بند مغایر جزء «۱» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ل»

- بند «ل» اولاً از این جهت که اصلاح ماده (۷۹) قانون محاسبات عمومی^۳ محسوب می‌گردد مغایر اصل پنجاه و دوم

۱. ماده (۱۰۷) - به کارمندان مشمول این قانون که بازنشسته می‌شوند به ازای هر سال خدمت یک ماه آخرین حقوق و مزایای مستمر (تا سی سال) به اضافه وجوه مربوط به مرخصی‌های ذخیره شده پرداخت خواهد شد. آن قسمت از سابقه خدمت کارمند که در ازای آن وجوه بازرخیدی دریافت نموده‌اند از سنوات خدمتی که مشمول دریافت این وجوه می‌گردد کسر می‌شود.

۲. ماده (۸۷)...

۳. جانبازانی که قبل از تصویب این قانون به صورت پیش از موعد یا عادی و بدون سنوات ارفاقی بازنشسته شده‌اند با رعایت شرط سنی کمتر از شصت و پنج سال می‌توانند به خدمت اعاده و با تکمیل خدمت سی و پنج ساله خود و با رعایت شرایط عمومی به بازنشستگی نائل آیند. تبصره - در صورت دریافت پاداش پایان خدمت در بازنشستگی اول، پاداش مذکور مربوط به آن سنوات، مجدداً به این افراد تعلق نمی‌گیرد.

۴. ماده (۷۹) - معاملات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اعم از خرید و فروش و اجاره و استجاره و پیمانکاری و اجرت کار و غیره (به استثنای مواردی که مشمول مقررات استخدامی می‌شود) باید حسب مورد از طریق مناقصه یا مزایده انجام شود مگر در موارد زیر:

۱. در مورد معاملاتی که طرف معامله وزارتخانه یا مؤسسه دولتی و یا شرکت دولتی باشد.
۲. در مورد معاملاتی که انجام آنها به تشخیص و مسئولیت بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها با نهادها و مؤسسات و شرکت‌های مشروحه زیر:

قانون اساسی است. ثانیاً عبارت «به دولت اجازه داده می‌شود» از حیث مفهوم اجازه ابهام دارد.

تبصره «۱۳»

بند «الف»

عبارت «اوراق اسلامی» فاقد تعریف قانونی است، لذا به دلیل عدم شفافیت معیار بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

تبصره «۱۴»

بند «الف»

۱. در جزء «۱»، بابت حق بیمه مشترکان گاز طبیعی و عوارض گازرسانی به مواد (۱۲) و (۶۵) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ مجلس استناد شده است که علاوه بر حق بیمه مشترکان گاز طبیعی، شامل حق بیمه مشترکان برق نیز می‌شود و این امر باید در متن این بند اصلاح شود.
۲. حکم جزء ن ۲» این بند در خصوص اعطای معافیت از عوارض و مالیات، اولاً اصلاح قانون بوده و به این جهت با اصل پنجاه و دوم مغایر است و ثانیاً به جهت مغایرت با بند «ب» ماده (۶) قانون برنامه ششم، جهت تصویب به رأی دوسوم نمایندگان نیاز دارد.
۳. در جزء «۳»، با توجه به اینکه نحوه تخصیص عوارض موضوع بند «الف» ماده (۲۶) قانون مالیات بر ارزش افزوده

الف) مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات تابعه که بیش از پنجاه درصد سهام و یا سرمایه و یا مالکیت آنها متعلق به مؤسسات و نهادهای مذکور باشد.
 ب) شرکت‌های تعاونی مصرف و توزیع کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی که براساس قوانین و مقررات ناظر بر شرکت‌های تعاونی تشکیل و اداره می‌شوند.
 ج) شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع که تحت نظارت مستقیم دولت تشکیل و اداره می‌گردند.
 که مقرون به صرفه و صلاح دولت باشد.
 ۲. در مورد خرید اموال و خدمات و حقوقی که به تشخیص و مسئولیت وزیر و یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها منحصر به فرد بوده و دارای انواع مشابه نباشد.
 ۳. در مورد خرید یا استیجاره اموال غیرمنقول که به تشخیص و مسئولیت وزیر و یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها با کسب نظر کارشناس رسمی دادگستری و یا کارشناس خبره و متعهد رشته مربوطه انجام خواهد شد.
 ۴. در مورد خرید خدمات هنری با رعایت موازین اسلامی و صنایع مستظرفه و خدمات کارشناسی.
 ۵. در مورد خرید کالاهای انحصاری دولتی و یا سایر کالاهایی که دارای فروشنده انحصاری بوده و برای آنها از طرف دستگاه‌های ذی‌ربط دولتی نرخ‌های معینی تعیین و اعلام شده باشد.
 ۶. در مورد خرید کالاهای مورد مصرف روزانه که در محل از طرف دستگاه‌های ذی‌ربط دولتی و یا شهرداری‌ها برای آنها نرخ ثابتی تعیین شده باشد.
 ۷. در مورد کالاهای ساخت کارخانه‌های داخلی و کرایه حمل‌ونقل بار از طریق زمینی که از طرف دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط برای آنها نرخ تعیین شده باشد.
 ۸. در مورد کرایه حمل‌ونقل هوایی - دریایی - هزینه مسافرت و نظایر آن در صورت وجود نرخ ثابت و مقطوع.
 ۹. در مورد تعمیر ماشین‌آلات ثابت و متحرک به تشخیص و مسئولیت وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها.
 ۱۰. در مورد خرید قطعات بدکی برای تعویض یا تکمیل لوازم و تجهیزات ماشین‌آلات ثابت و متحرک موجود و همچنین ادوات و ابزار و وسایل اندازه‌گیری دقیق و لوازم آزمایشگاه‌های علمی و فنی و نظایر آن با تعیین بهای مورد معامله حداقل وسیله یک نفر کارشناس خبره و متعهد رشته مربوط که حسب مورد توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها انتخاب خواهد شد، پس از تأیید مقامات مذکور در این ردیف.
 ۱۱. در مورد معاملات که به تشخیص هیئت وزیران به ملاحظه صرفه و صلاح دولت باید مستور بماند.
 ۱۲. در مورد چاپ و صحافی که به موجب آیین‌نامه خاصی که بنابه پیشنهاد وزارت ارشاد اسلامی و تأیید وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، انجام خواهد شد.
 ۱۳. در مورد فروش کالاهای و خدماتی که مستقیماً توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تولید و ارائه می‌شود و نرخ فروش آنها توسط مراجع قانونی مربوط تعیین می‌گردد.
 ۱۴. تبصره - انجام معاملات موضوع ردیف‌های ۱ و ۲ این ماده بدون رعایت تشریفات مناقصه و یا مزایده مشروط بر آن است که دستگاه فروشنده، مورد معامله را در اختیار داشته یا تولیدکننده یا انجام‌دهنده آن باشد یا اینکه وظیفه تهیه و توزیع و فروش مورد معامله را به عهده داشته باشد.



مصوب سال ۱۴۰۰، در ماده (۳۹) قانون مذکور مشخص شده است، پیشنهاد می‌شود، برای اجرای حکم این جزء قید «با رعایت ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده» اضافه گردد.

۴. از آنجایی که آیین‌نامه مندرج در این بند، صرفاً مربوط به این بند نیست، بلکه مربوط به کل تبصره «۱۴» است، شایسته است، از لحاظ قانون‌نویسی، پیش از ذکر بندهای تبصره و در احکام ابتدایی تبصره «۱۴» ذکر شود، در غیر این صورت با بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری مبنی بر استحکام ادبیات حقوقی مغایرت دارد.

بند «ب»

به دلیل ماهیت غیر بودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند ج

واژه «ای.تی.اس» مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.

بند «د»

۱. عبارت «فراورده‌های ویژه» دارای ابهام است.

۲. واژه «سی.ان.جی» مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید واژه معادل فارسی آن جایگزین شود.

تبصره «۱۵»

بند «ب»

عبارت پس از کسر هزینه‌ها مغایر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی است.

بند «د»

واژه کنتور مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید حذف شود.

بند «ه»

صلاحیت افراد غیروزیر مغایر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

بند «ز»

۱. با توجه به حکم تبصره ماده (۱۸) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی (یکصد و سی و هشتم) نیازی به حکم جزء «۱» بند «ز» نیست.

۲. در جزء «۲» عبارت هزینه مربوط واجد ابهام است و لذا به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

۳. در جزء «۲» واژه اپراتور مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید حذف شود.

بند «ح»

سهم سازمان صدا و سیما و سایر رسانه‌ها به طور منجز معلوم نیست و دارای ابهام است و لذا به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

بند «ط»

عبارت شرکت‌های برق دارای ابهام است و لذا به دلیل عدم شفافیت مغایر بند «۱۳» سیاست‌های کلی نظام اداری و

جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

تبصره «۱۶»

۱. واژه کنترل مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.
۲. برنامه مهار تورم و رشد نقدینگی و ترازنامه بانک به جهت عدم تعیین ماهیت، مفاد و مرجع تصویب آن دارای ابهام است.
۳. صلاحیت شورای پول و اعتبار در صدر این تبصره مغایر اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی است.
۴. در برخی قوانین برای تسهیلات بانکها اولویت قرار داده شده است. برای مثال در بند «پ» ماده (۲۰) قانون احکام دائمی کشور بر «اولویت در پرداخت تسهیلات توسط بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری در شرایط مساوی به ترتیب برای سرمایه در گردش مورد نیاز صادرکنندگان، سرمایه در گردش مورد نیاز تولیدکنندگان کالاها یا خدمات صادراتی، سرمایه‌گذاری برای تولید یا تجارت کالاها یا خدمات صادراتی، سرمایه‌گذاری برای تولید کالاها و یا خدمات دارای بازار و قابل فروش در داخل کشور با سودآوری بیشتر می‌باشد» تأکید دارد. همچنین در مواد (۱۰)، (۶۸)، (۶۹) و (۷۲) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۴ بر هدایت منابع قرض‌الحسنه در جهت حمایت از خانواده تأکید صورت پذیرفته است. لذا ضروری است، مجلس شورای اسلامی، در این تبصره، اولویت استفاده از تسهیلات مذکور را مشخص نماید.

تبصره «۱۷»

بند «الف»

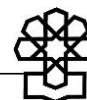
- حکم این بند به دلیل توسعه مصادیق ماده (۵۵) قانون برنامه ششم توسعه^۱ مغایر با اصول قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری و اصل سالانه بودن قانون بودجه موضوع اصل پنجاه‌دوم قانون اساسی است و در صورت اصرار به تصویب آن طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

بند «ب»

- عبارت ذیل این بند که بیان می‌کند: «نحوه هزینه کرد موجودی حساب‌های مذکور از مفاد مندرج در ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مستثنا می‌باشد»، به دلیل اصلاح ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور^۲ و به جهت اصلاح قانون، تصویب آن طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، نیاز به رأی دوسوم

۱. ماده (۵۵) - هزینه خدمات مدیریت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شرکت مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی، شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران و شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی تا دوونیم درصد (۲/۵٪) عملکرد تخصیص اعتبارات ذی ربط با احتساب کل وجه دریافتی از بودجه عمومی دولت اعم از وجوه نقد، اسناد خزانه، اوراق مشارکت و سایر اوراق بهادار تعیین و توسط سازمان در اختیار بنیاد و شرکت‌های مذکور قرار می‌گیرد. سازمان موظف به تخصیص اعتبارات اجتناب‌ناپذیر بنیاد و شرکت‌های مذکور در چارچوب بودجه آنها از محل اعتبارات فوق تا دوونیم درصد (۲/۵٪) می‌باشد.

۲. ماده (۱) - دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌ها و پارک‌های علم و فناوری که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط می‌باشند، بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی به‌ویژه قانون محاسبات عمومی کشور، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها و فقط در چارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیئت امنای که حسب مورد به تأیید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستان‌ها به تأیید رئیس‌جمهور و در مورد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی وابسته به نیروهای مسلح به تأیید رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می‌رسد، عمل می‌کنند.



نمایندگان دارد. همچنین پس از استثنا به جهت اینکه مشخص نیست نحوه هزینه‌کرد مذکور تابع کدام قانون است ابهام دارد.

- علاوه بر این، واریز وجه سازمان‌های بیمه‌ای به «به حساب جداگانه‌ای که دانشگاه اعلام می‌نماید» از جهت لزوم گردش خزانه و وجود این حساب‌ها نزد خزانه‌داری کل ابهام دارد و در صورت عدم لحاظ سازوکار مندرج در اصل پنجاه و سوم با اصل مذکور مغایر خواهد بود مضاف بر اینکه شمول حکم مندرج در جزء «۱» بند «ج» ماده (۱۹) بر حساب‌های مذکور در این بند ابهام دارد.

بند «ج»

- این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای، مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.
- در این بند از دو عبارت «مؤسسات خیریه غیردولتی و خصوصی» و «مؤسسات خیریه مردم‌نهاد» استفاده شده است. در حالی که تفاوت میان این دو عبارت مشخص نیست. لذا از این جهت دارای ابهام است.
- واژه (ان.ای.ایکس) به دلیل غیرفارسی بودن مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است لذا باید حذف شود. همچنین واژه «سرویس» به دلیل غیرفارسی بودن مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است و باید معادل فارسی آن جایگزین شود.
- حکم این بند در بند «و» تبصره «۱۷» قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور نیز با یک تغییر جزئی ذکر شده بود. که دلیل ابهام شورای نگهبان^۱ از جهت شمول حکم نسبت به کمیته امداد امام خمینی (ره)، این نهاد در مصوبه نهایی مستثنا شد. اما در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور اجرای حکم این بند در خصوص کمیته امداد امام خمینی (ره) منوط به اذن مقام معظم رهبری شد. لذا پیشنهاد می‌شود حکم مذکور در خصوص کمیته امداد منوط به اذن مقام معظم رهبری شود.

تبصره «۱»- اعتبارات اختصاص یافته از منابع عمومی دولت به این مراکز و مؤسسات، کمک تلقی و بعد از پرداخت، به هزینه قطعی منظور می‌شود و براساس بودجه تفصیلی مصوب هیئت امانا و با مسئولیت آنها قابل هزینه است.
تبصره «۲»- هرگونه استخدام جدید از محل منابع عمومی و توسعه تشکیلات اداری منوط به تأیید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (حسب مورد) و سازمان اداری و استخدامی کشور است.
تبصره «۳»- هیئت امانا براساس ماده (۱۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ نمی‌تواند علاوه بر آنچه که از محل منابع عمومی و درآمدهای اختصاصی برای دانشگاه‌ها و مراکز مزبور پادار می‌شود تعهد جدیدی برای سال تصمیم‌گیری و سال‌های بعد مصوب کند.

تبصره «۴»- صندوق‌های رفاه دانشجویان مشمول این ماده و تبصره‌های آن می‌شوند.
تبصره «۵»- هرگونه اصلاح ساختار و مقررات مالی، اداری، معاملاتی، استخدامی و تشکیلاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی فقط مشمول این ماده و تبصره‌های آن است.

تبصره «۶»- دولت موظف است برای مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و دانشمندان کشور در همایش‌ها و مجامع علمی و پژوهشی بین‌المللی و برتر جهان و بهره‌گیری از توانمندی‌های دانشمندان و نخبگان ایران در جهان و فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی مناسب در داخل و خارج کشور سازوکار لازم را ایجاد نماید.

تبصره «۷»- به منظور گسترش و ارتقای کیفیت و اثربخشی آموزش عالی و مهارت‌آموزی، دولت موظف است نسبت به تحقق موارد زیر اقدام کند:

۱. اعضای هیئت علمی می‌توانند با موافقت هیئت امانی همان دانشگاه نسبت به تشکیل مؤسسات و شرکت‌های صد درصد (۱۰۰٪) خصوصی دانش‌بنیان اقدام و یا در این مؤسسات و شرکت‌ها مشارکت کنند.
این مؤسسات و شرکت‌ها برای انعقاد قرارداد پژوهشی مستقیم و یا غیرمستقیم با دستگاه‌های اجرایی، مشمول قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی و اصلاحات بعدی آن نیستند.

۲. به دولت اجازه داده می‌شود به منظور حمایت از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی، علمی - کاربردی و پیام نور و دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی که دارای مجوز از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند، تسهیلات اعتباری در اختیار صندوق رفاه دانشجویان و یا سایر نهادهای ذی‌ربط برای پرداخت وام بلندمدت قرض‌الحسنه به دانشجویان قرار دهد.

۳. وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مرکز آمار ایران، رشته‌های تحصیلی خود را متناسب با بازار کار تعیین نمایند.

۴. دانشگاه پیام نور مکلف است شصت درصد (۶۰٪) از درآمدهای حاصل از شهریه دانشجویان هر واحد را برای توسعه همان واحد و مابقی را برای توسعه و تجهیز واحدهای دانشگاهی در مناطق محروم اختصاص دهد.

۱. نظر شماره ۹۹/۱۰۲/۲۴۴۷۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۳ شورای نگهبان:

۱۶. در تبصره «۱۷»

۱۶-۱. بند «و»... از جهت روشن نبودن نسبت عبارت «هرگونه پرداخت و کمک به مددجویان بر مبنای اطلاعات مندرج در این سامانه خواهد بود» با اساسنامه کمیته امداد امام خمینی (ره) ابلاغی مقام معظم رهبری، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

- منوط نمودن برخورداری مؤسسات خیریه غیردولتی و خصوصی از معافیت‌های مالیاتی به ثبت اطلاعات در سامانه، از آنجا که بند «ط» ماده (۱۳۹) قانون مالیات‌های مستقیم^۱ را اصلاح می‌کند مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است و در صورت اصرار بر تصویب، طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، نیازمند دوسوم رأی نمایندگان است.

- عبارت «استحقاق سنجی» واجد ابهام است و باید ضوابط چنین احکامی به‌طور مشخص تعیین شود تا با اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی مغایرت نداشته باشند.

- در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور ضمانت اجرایی برای تخلف مدیران در نظر گرفته شده بود که در لایحه سال ۱۴۰۲ حذف شده است. در قانون مقرر شده بود: «چنانچه مدیران دستگاه‌های مشمول ماده (۲۹) قانون برنامه ششم توسعه از اجرای این بند استنکاف نمایند، مشمول مجازات حبس تعزیری درجه پنج موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی می‌گردند».

- در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور آیین‌نامه اجرایی این بند پیش‌بینی شده بود که در لایحه کنونی حذف شده است. در قانون مقرر شده بود: «آیین‌نامه اجرایی این بند مشتمل بر تعیین نحوه ارقام مورد نیاز ثبت اطلاعات، نحوه واگذاری اطلاعات سامانه به دستگاه‌های اجرایی و نهادهای حمایت‌کننده برای مواردی مانند استعلام استحقاق سنجی، توسط سازمان برنامه و بودجه کشور با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

بند «د»

- این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای، مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی به نظر می‌رسد.

- در صدر این بند مشخص نشده است که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نسبت به به‌روزرسانی چه داده‌هایی باید اقدام کند. همچنین بازه زمانی میان دوبار به‌روزرسانی نیز مشخص نشده است. لذا از این جهت دارای ابهام است.

- عدم تعریف و مشخص کردن «گروه‌های پردرآمد» دارای ابهام است.

- عبارت «استحقاق سنجی» از این جهت که مشخص نیست براساس چه معیارهایی این موضوع سنجیده می‌شود، واجد ابهام است.

بند «ه»

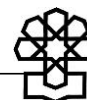
- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است درآمدهای حاصل از حکم این بند را به حساب درآمد عمومی ردیف ۱۱۰۵ پانزدهم جدول شماره ۵ واریز نماید. در حالی که در جدول شماره ۵ چنین ردیفی وجود ندارد.

- عبارت «ردیف‌های این قانون» ابهام دارد و باید شماره ردیف‌ها مشخص شود.

بند «و»

- این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای، مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی به نظر می‌رسد.

۱. ط) کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه که به ثبت رسیده‌اند، مشروط بر آنکه به موجب اساسنامه آنها صرف‌امور مذکور در بند «ح» این ماده شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد و هزینه آنها نظارت کند، از پرداخت مالیات معاف است. تبصره - کمک‌های نقدی و غیرنقدی که در هر سال مالی به مصرف نرسیده باشد بدون تعلق مالیات به سال مالی بعد منتقل می‌گردد.

**بند «ز»**

- حکم این بند به دلیل عدم تصریح در گردش خزانه نسبت به تهاتر مغایر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی و بند «۱۰» - «۱» سیاست‌های کلی سلامت^۱ است.

بند «ح»

- این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای، مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی به نظر می‌رسد.
- در این حکم به تأمین هزینه تا صد درصد هزینه درمانی اشاره شده است. در حالی که در ماده (۱۲) قانون جامع خدمت‌رسانی به ایثارگران تأمین صد درصد مقرر شده است. لذا ممکن است، این میزان تا کمتر از صد درصد باشد. به همین جهت با توجه به اصلاح قانون عادی نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

بند «ط»

- «برنامه نظام ارجاع و پزشک خانواده» فاقد تعریف و ضابطه قانونی و در نتیجه مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.
- واژه (کد) مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است، لذا باید حذف شود.
- نظارت «شورای عالی بیمه سلامت» در جزء «۱» این تبصره مغایر نظام اداری صحیح است و لازم است این مسئولیت به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار شود تا مفاد اصل یکصد و سی و هفتم قانون اساسی قابل اعمال باشد.
- در بند «ط» یک جزء تحت عنوان بند «۱» پیش‌بینی شده است، اما جزء «۲» لحاظ نشده است.
- با توجه به لزوم رعایت بند «۱۶» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری در خصوص رعایت تدابیر فرماندهی کل نیروهای مسلح، حکم تکلیفی جزء «۱» نسبت به سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح برای استفاده از سامانه‌های مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اجرای طرح نسخه الکترونیک، لازم است تدابیر فرماندهی لحاظ شود در غیر این صورت، این موضوع مغایر سیاست‌های کلی و در نتیجه مغایر بند «۱» اصل یکصد و دوم قانون اساسی است. همچنین لازم است در این مورد بند «۲» سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی^۲ در مورد «رعایت ملاحظات امنیتی مربوط به نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیتی کشور» لحاظ شود.

بند «ی»

- این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای، مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی به نظر می‌رسد.
- واگذاری صلاحیت تعرفه‌گذاری به «شورای عالی بیمه سلامت» به دلیل عضویت افراد غیروزیر و خارج از قوه مجریه در آن مغایر اصول شصتم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است و پیشنهاد میشود تعرفه مذکور به پیشنهاد شورای عالی بیمه سلامت و به تصویب هیئت وزیران برسد.
- همچنین به جهت اینکه ان حکم اصلاح «قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و تعدیل کارانه‌های پرستاری» محسوب می‌شود، باید با دوسوم آرای نمایندگان تصویب شود.

۱. «۱-۱» شفاف‌سازی قانونمند درآمدها، هزینه‌ها و فعالیت‌ها.

۲. ایجاد یک سازوکار تخصصی و فرابخشی به منظور حفظ انتظام و انسجام امور مربوط، لایه‌بندی و سطح‌بندی خدمات، ایجاد وحدت رویه، اعمال نظارت راهبردی در تکوین و فعالیت سازمان‌ها و صندوق‌ها و نهادهای فعال در قلمروهای امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و شکل‌دهی پایگاه اطلاعات، با رعایت ملاحظات امنیتی مربوط به نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیتی کشور.

بند «گ»

- این بند به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای، مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی به نظر می‌رسد.
- «آزمون وسع» به عنوان طریق برخورداری رایگان از خدمات بیمه پایه، از جهت نداشتن ضابطه کمی و کیفی قانونی، مشخص نبوده و نیازمند تعریف و تبیین دقیق است.

بند «ل»

- عنوان «وزارت بهداشت» کامل و به صورت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ذکر شود.
- در صدر ماده کلیه ارائه‌دهندگان خدمات شامل مراکز و حرف پزشکی و پیراپزشکی قلمداد شده است، ولی در انتهای بند صرفاً حرف و مراکز پزشکی آمده است که در جهت تکمیل باید «پیراپزشکی» نیز به آن اضافه شود.
- جز «۳» این بند به جهت اصلاح جز «۵» بند «ب» ماده (۷۰) قانون برنامه ششم توسعه^۱ نیازمند رأی دوسوم نمایندگان است.

- در جز «۳» عنوان «شورای عالی بیمه» باید به صورت کامل «شورای عالی بیمه سلامت کشور» ذکر شود.
- در جز «۳» به تدوین دستورالعمل صدور بیمه پایه و اعلان آن از سوی شورای عالی بیمه سلامت کشور اشاره شده است، که واگذاری صلاحیت مذکور به «شورای عالی بیمه سلامت» به دلیل عضویت افراد غیروزیر و خارج از قوه مجریه در آن مغایر اصول شصتم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی است و پیشنهاد می‌شود صلاحیت مذکور به پیشنهاد شورای عالی بیمه سلامت و به تصویب هیئت وزیران برسد.

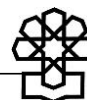
- عبارت «آزمون وسع» در جز «۵» به عنوان طریق برخورداری رایگان از خدمات بیمه پایه، از جهت نداشتن ضابطه کمی و کیفی قانونی، مشخص نبوده و نیازمند تعریف و تبیین دقیق است.

- جز «۷» که امکان دسترسی به پرونده الکترونیک برای بیمار و پزشک را فراهم کرده است با کمی تغییرات در جزء «۲» بند «ی» تبصره «۱۷» قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور^۲ نیز آمده بود. با این تفاوت که در آن قانون، دسترسی طبق تهیه و ابلاغ دستورالعملی توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیش‌بینی شده بود که باید ظرف مدت سه ماه بعد از ابلاغ قانون بودجه، دستورالعمل فوق تهیه و تدوین می‌شد که گویا این موضوع اجرایی نشده است و دولت برای اینکه این دسترسی برقرار شود، در لایحه پیشنهادی خود بیمه‌های درمانی را مکلف کرده است تا ابلاغ دستورالعمل توسط وزارتخانه مذکور این دسترسی را برای بیمار و پزشک فراهم کند. در لایحه مدت زمانی برای تهیه و ابلاغ دستورالعمل در نظر گرفته نشده است و نتیجه آن این خواهد بود که مانند سال گذشته علی‌رغم پیش‌بینی زمانبندی سه ماهه، هیچ اقدامی صورت نخواهد گرفت و محدوده زمانی برای تکلیف مشخص نشده و نظارت‌پذیر نخواهد بود. لذا عدم تعیین زمان جهت تهیه دستورالعمل خلاف اصول صحیح قانون‌نویسی و در نتیجه مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری ابلاغی مقام معظم رهبری و بند «۱» اصل ۱۱۰ یکصد و دهم قانون اساسی است.

- حکم جز «۷» از این جهت که مشخص نشده است آیا دسترسی به پرونده برای بیمار و پزشک متضمن پرداخت

۱. ماده (۷۰)-... (ب) ... ۵. پوشش بیمه سلامت برای افراد خارجی مقیم در کشور، از جمله پناهندگان گروهی مورد تأیید دفتر اتباع خارجی وزارت کشور، الزامی است. شیوه دریافت حق بیمه و برخورداری از بارانه دولت برای تأمین حق بیمه براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف سه ماه از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. حکم این جزء بر حکم ماده (۴) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور حاکم است.

۲. «دسترسی مورد نیاز به اطلاعات پرونده الکترونیک سلامت برای بیمار (نمایشگر پرونده) و همچنین امکان دسترسی به سوابق بیمار برای پزشک معالج مطابق مفاد بند «الف» ماده (۷۴) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران طبق دستورالعملی است که حداکثر ظرف سه ماه از ابلاغ این قانون توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و ابلاغ می‌گردد».



هزینه به بیمه‌های درمانی است یا خیر، دارای ابهام است.

تبصره «۱۸»

- در متن تبصره واژه «پیشران» واجد ابهام است.

بند «الف»

- عبارت «محل ردیف ذی‌ربط» با توجه به مشخص نبودن این ردیف در جدول شماره (۹) دارای ابهام است.
- استفاده از واژه «بخشی» در خصوص منابع (اجزای «۵»، «۶» و «۷») به دلیل مشخص نبودن میزان آن دارای ابهام است. باید مشخص شود که چه بخشی از منابع مورد نظر می‌باشد در غیر این صورت مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.

- در بند «۲» ردیف مربوط به منابع بازگشتی منابع بند «الف» تبصره «۱۸» تعیین نشده است، لذا از این جهت ابهام دارد. در حالی که در بودجه سال گذشته این موضوع پیش‌بینی شده بود: «۵-۱. بازگشتی منابع تبصره «۱۸» قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور که به ردیف درآمدی ۳۱۰۶۰۲ واریز گردیده است».

بند «ب»

- «توزیع سایر منابع مالی موضوع این بند»، «توزیع تسهیلات»، «توزیع منابع این بند» در اجزای «۲»، «۴» و «۵» طبق دستورالعمل به دلیل ماهیت قانونگذاری مغایر اصول هشتادوپنجم و پنجاه‌وسوم قانون اساسی است. همچنین در صورتی که منظور از دستورالعمل ذکر مفاد ضوابط و شرایط پرداخت تسهیلات باشد، نیز مغایر اصل هشتادوپنجم قانون اساسی است.

- در این بند که مصارف را مشخص کرده است در خصوص محل مصرف درآمدهای مذکور در جزء «۴» (مانده و بازگشتی منابع مالی تسهیلات موضوع قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی مصوب سال ۱۳۹۶) لذا از این جهت محل هزینه این درآمدها ابهام دارد و احاله آن به دستورالعمل اجرایی به دلیل ماهیت قانونگذاری مغایر اصول هشتادوپنجم و پنجاه‌وسوم قانون اساسی است.
- در جزء «۵» واژه «بخشی» به دلیل ابهام در میزان عددی آن مغایر جزء «۳» بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است

- در بند «ب» وضعیت موارد مصرف اجزاء «۴» و «۶» بند «الف» تعیین تکلیف نشده است.

بند «ج»

- در جزء «۱» مصادیق سایر مؤسسات عامل واجد ابهام است.
- در جز «۱» با توجه به اینکه حکم به تفویض اختیار به دولت جهت اصلاح اساسنامه «صندوق کارآفرینی امید» داده شده، اما چارچوب این اصلاح مشخص نشده و صرفاً تغییر نام صندوق به «پیشرفت و عدالت» آمده است. لذا دارای ابهام است.
- تصویب اساسنامه سازمان دولتی به موجب حکم قانون بودجه که دارای اعتبار یک‌ساله است با واژه دائمی مندرج اصل هشتادوپنجم قانون اساسی مغایر می‌باشد.

- در جز «۱» حکم به اصلاح اساسنامه صندوق به دلیل داشتن ماهیت غیربودجه‌ای مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی اساسی است.
- در جز «۲» واژه «پروژه» به دلیل غیرفارسی بودن مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.
- در جز «۲» مفاد دستورالعمل که شامل نحوه تأمین مالی، تعیین نرخ سود تسهیلات، اولویت‌بندی گروه‌ها و فعالیت‌های هدف است، دارای ماهیت تقنینی داشته و واگذاری آن به دستورالعمل مغایر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است. همچنین با توجه به اینکه تصویب دستورالعمل به شورای عالی اشتغال واگذار شده است، با عنایت به عضویت اعضای غیروزیر و خارج از قوه مجریه خلاف اصول شصتم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.
- عبارت «پس از ابلاغ این قانون» به جهت اینکه مشخص نیست ابلاغ رئیس مجلس به رئیس‌جمهور ملاک است یا ابلاغ رئیس‌جمهور، دارای ابهام است. ضمن اینکه باید پس از لازم‌الاجرا شدن ملاک باشد، زیرا فرایند لازم‌الاجرا شدن قانون به صورت مشخص پیش‌بینی شده است. لذا پیشنهاد می‌شود عبارت: «پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون» جایگزین عبارت «پس از ابلاغ این قانون» شود.
- اجزای «۴»، «۵» و «۶» به دلیل ماهیت غیر بودجه‌ای مغایر اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

تبصره «۱۹»

بند «الف»

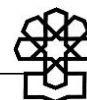
- در جزء «۱» عنوان دستگاه‌های اجرایی از جهت عدم تعیین مصداق قانونی واجد ابهام است.

بند «ج»

- جزءهای «۲» و «۳» از آنجا که در مقام اصلاح مهلت مقرر در قانون محاسبات عمومی است مغایر با اصول قانون‌نویسی موضوع بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری و اصل سالانه بودن قانون بودجه موضوع اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.

بند د

- حکم مندرج در این بند از حیث ارتباط اجزای این بند با حکم مندرج در ماده (۹۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی دارای ابهام است.
- حکم مندرج در جزء «۱» از حیث وضعیت واریز درآمد حاصل از فروش به خزانه و واریز سهم صندوق توسعه ملی واجد ابهام است؛
- حکم مندرج در جزء «۲» مغایر با سازوکارهای تعیین شده در بند «د» سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی است. همچنین به جهت عدم تعیین سهم هر کدام از اجزای مندرج در جزء «۲» بند «د» سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم محل ابهام است.
- حکم مندرج در جزءهای «۱» و «۲» به جهت عدم تعیین ضابطه برای تأیید اشخاص از سوی وزارت نفت و عدم لحاظ شرط وثاقت و امانت و امکان ایجاد فساد مغایر موازین شرع و بند «۱» اصل سوم قانون اساسی است.

**بند «ح»**

- حکم این به جهت عدم ماهیت بودجه‌ای مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی است.
- واژه کنترل مغایر اصل پانزدهم قانون اساسی است.
- سازوکار تصویب برنامه مندرج در این بند مغایر با اصول یکصد و سی و چهارم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است.

بند «و»

- عنوان دستگاه‌های اجرایی مشمول از جهت عدم تعیین مصداق قانونی واجد ابهام است.

بند «ز»

- عنوان دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط از جهت عدم تعیین مصداق قانونی واجد ابهام است.
- عبارت «نظام یکپارچه مدیریت مالی در بخش عمومی» به جهت عدم وجود ضابطه و معیار قانونی مغایر با اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است.

بند «ح»

- وجه استثنای سازمان‌های توسعه‌ای از حکم مندرج در این جزء مشخص نیست و واجد ابهام است و می‌تواند به جهت تبعیض ناروا مغایر با بند «۹» اصل سوم قانون اساسی باشد. همچنین استثنای این سازمان از افتتاح حساب از طریق خزانه‌داری کل کشور مغایر با اصل پنجاه و سوم قانون اساسی است.
- استثنای نهادهای عمومی غیردولتی از واریز سایر وجوه به حساب خزانه مغایر اصل پنجاه و سوم قانون اساسی است و از جهت عدم تمرکز افتتاح حساب در بانک مرکزی مغایر بند «۹» اصل سوم قانون اساسی است.

تبصره «۲۰»**بند «الف»**

- در جزء «۱-۱» از آنجا که نحوه بارگذاری اطلاعات موضوع این جزء، متضمن وضع مقررات موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است با اصل مذکور مغایر است و پیشنهاد می‌شود جهت رفع این ایراد، مقررات موضوع جزء، توسط دستگاه‌های مذکور پیشنهاد شده و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی برسد.
- عبارت «شرکت‌های دولتی» مذکور در جزء «۲» بند «الف» به جهت تعاریف متفاوت در ماده (۴) قانون محاسبات عمومی و ماده (۴) قانون مدیریت خدمات کشوری دارای ابهام است و نیز عبارت «شرکت‌های وابسته و تابعه» مذکور در این جزء به جهت عدم وجود تعریف قانونی واجد ابهام است.
- جزء «۲-۳» بند «الف» تأیید نظامات پرداخت و جبران خدمت توسط شورای حقوق و دستمزد به منزله این است که این شورا می‌تواند نظامات خلاف قوانین را به تأیید برساند و عملاً احکام مندرج در قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر قوانین ذی‌ربط را نادیده بگیرد و از این حیث مغایر با اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی است. پیشنهاد می‌شود این بند حذف شود.
- در بند «۳» اولاً عبارت «این موضوع» ابهام دارد، زیرا مشخص نیست منظور حکم مندرج در کدام جزء است و ثانیاً مشخص نشده است که اشخاص مذکور متضامناً مسئول اجرای حکم این جزء هستند یا منفرداً؟ مضاف بر اینکه

مشخص نیست مقصود از عبارت «اشخاص مذکور»، مسئولین اجرای این جزء یعنی ذی حساب و بالاترین مقام دستگاه هستند یا کلیه کارکنان دستگاه؟ از این جهت این جزء دارای ابهام است.

- در جزء «۴» اولاً عنوان «شیوه‌نامه» مغایر اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی است و باید عنوان آن براساس اصل مذکور باید به آیین‌نامه تغییر یابد و در ضمن آیین‌نامه مذکور باید به تصویب هیئت وزیران برسد.
- در بند «۵» عنوان دستگاه‌های اجرایی از جهت عدم تعیین مصداق قانونی واجد ابهام است.

بند «ب»

- بند «ب» از جهت شمول بر مستثنیات ماده (۲۹) قانون برنامه ششم واجد ابهام است همچنین عدم ذکر مجوز سازمان امور اداری و استخدامی درخصوص استخدام نیروی انسانی برای وزارت اطلاعات، مغایر با اصل یکصد و بیست و هشتم قانون اساسی است.

بند «ج»

- درخصوص جزء «۱» با عنایت به اینکه اولاً درخصوص وضعیت حقوق و مزایا تعیین تکلیف نشده و حقوق مکتسبه کارکنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و ثانیاً قید «بدون رضایت کارمند» مغایر اصل چهارم و بند «۵» اصل چهل و سوم قانون اساسی است.

بند «د»

- بند «د» اگرچه ذیل تبصره «۲۰» و در عداد احکام با قابلیت دائمی شدن آمده است، لکن از آنجا که در متن این بند تصریح به سال ۱۴۰۲ شده است ماهیت یک‌ساله دارد و به جهت اصلاح قوانین دائمی متعدد از جمله ماده (۱۰۳) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی و عدم تعیین وضعیت تنقیحی آن مغایر با بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است و نیز مغایر با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی به نظر می‌رسد.

بند «ه»

- از آنجا که حکم مندرج در این بند مربوط به کل قانون است و زیرمجموعه تبصره «۲۰» نیست باید در قالب تبصره جداگانه بیاد و از این حیث خلاف اصول قانون‌نویسی و مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است

بند «و»

- از آنجا که حکم مندرج در این بند مربوط به کل قانون است و زیرمجموعه تبصره «۲۰» نیست باید در قالب تبصره جداگانه بیاد و از این حیث خلاف اصول قانون‌نویسی و مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری است.
- تمدید قانون برنامه ششم توسعه در بند «و» از این جهت که برخی احکام قانون برنامه ششم همانند جدول شماره ۳ این قانون، نسبت به هر سال از اجرای برنامه، بعضاً دارای احکام مختص به همان سال هستند. بنابراین، درخصوص سال ۱۴۰۲ که حکمی برای آن در قانون برنامه ششم در نظر گرفته نشده است دارای ابهام است و باید این ابهام برطرف شود که نسبت به سال تمدید شده (در سال ۱۴۰۲) چه حکمی به عنوان قانون برنامه ششم توسعه جاری خواهد شد. به عبارت دیگر پس از تمدید برنامه ششم در سال ۱۴۰۲، نسبت به احکام قانون برنامه ششم توسعه در سال ۱۴۰۲، دچار خلأ قانونی خواهیم بود. این بند بدون اشاره به این موضوع، قوانین برنامه ششم توسعه را در سال ۱۴۰۲ تمدید نموده است و باید این ابهام برطرف شود. مضاف بر اینکه نسبت به احکام و مواد قانون برنامه ششم



که به موجب قوانین دیگر نسخ شده‌اند، تعیین تکلیف نشده است؟ بنابراین از این حیث نیز این بند واجد ابهام است.

نتیجه‌گیری

گزارش حاضر لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور را فارغ از نکات و ملاحظات فنی و تخصصی از منظر اقتصادی، فرهنگی و ... از منظر حقوقی مورد بررسی قرار داده است. شایان ذکر است، توجه به نکات مطروحه، زمینه ارتقا و افزایش کیفیت قانون بودجه را فراهم می‌نماید.

اهم ایرادهایی که متوجه این لایحه است عبارتند از:

۱. عدم رعایت اصل شفافیت قانون بودجه و ابهام‌های متعدد در متن لایحه

ابهام در تعریف برخی اصطلاحات بنیادین بودجه، فقدان اسناد همراه جهت تصمیم‌گیری در خصوص بخش‌های مهم لایحه و درج عدد ۱ در مقابل ردیف‌ها، موجب عدم شفافیت و ابهام می‌شود. عدم رعایت اصل شفافیت و ابهام در قانونگذاری مغایر بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری نیز به‌شمار می‌رود. این ابهام، از عوامل تضعیف امنیت قضایی مردم (موضوع بند «۱۴» اصل سوم قانون اساسی) و عدم ثبات در نظام اقتصادی کشور است. علاوه بر این، عدم شفافیت در قانونگذاری زمینه‌های فساد را فراهم می‌کند که این امر مغایر بند «۱۹» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است.

۲. درج احکام متعدد با ماهیت غیربودجه‌ای و اصلاح قوانین دائمی

بند «۳» ماده (۱۳۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، لوائح قانونی که از طرف دولت به مجلس پیشنهاد می‌شوند، باید دارای موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان لایحه باشند. برای مثال در لایحه بودجه، علی‌القاعده احکامی که آورده می‌شوند باید متناسب با عنوان لایحه و دارای ماهیت بودجه‌ای باشند؛ احکامی که ماهیت غیربودجه‌ای دارند یعنی ارتباطی با پیش‌بینی دخل و خرج کشور ندارند و مربوط به سایر موضوع‌ها هستند، نباید در لایحه بودجه ذکر شوند. شایان ذکر است طبق ماده (۱۸۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، تصویب آن دسته از احکام دارای ماهیت بودجه‌ای نیز که احیاناً منجر به اصلاح قانون دائمی می‌شوند، نیاز به رأی دوسوم نمایندگان دارد.

۳. عدم رعایت اصل پنجاه‌وسوم قانون اساسی در برخی موارد

عدم تمرکز تمامی دریافت‌های دولت در خزانه، پرداخت مستقیم از محل دریافت‌های دولت، عدم تعیین سقف برای پرداخت‌ها، اعتبارات جمعی - خرجی از مصادیق نقض اصل پنجاه‌وسوم قانون اساسی در لایحه است.

۴. مغایرت با برخی سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری، به‌خصوص سیاست‌های کلی ناظر بر حوزه

اقتصاد و امور مالی

سیاست‌های کلی نظام که طبق بند «۱» اصل یکصدودهم قانون اساسی از طرف مقام معظم رهبری ابلاغ می‌شود، به‌عنوان هنجار حقوقی بالادستی، باید در قوانین مورد توجه قرار گیرد. از این رو در قانون بودجه نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قوانین کشور، این مهم باید رعایت شود.

۵. تفویض غیرقانونی صلاحیت قانونگذاری و مغایرت با اصل هشتادوپنجم

طبق اصل هشتادوپنجم قانون اساسی، صلاحیت قانونگذاری قابل تفویض به‌غیر از مجلس شورای اسلامی نیست. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ موارد متعددی از نقض اصل مذکور وجود دارد.

۶. تفویض غیرقانونی صلاحیت مقرراتگذاری و مغایرت با اصل یکصدوسی‌وهشتم

طبق اصل یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی، صلاحیت وضع آیین‌نامه در اختیار هیئت وزیران و وزارت است. در برخی از موضوعات این لایحه، صلاحیت مقرراتگذاری بر خلاف اصل یکصدوسی‌وهشتم به مواردی غیر از موارد مذکور واگذار شده است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۲۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir